

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: غلام اکبری

gholam.akbari@gmail.com

ادیتور: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۶۹۸

۳ آبان ۱۴۰۰

۲۵ اکتبر ۲۰۲۱



دوشنبه ها منتشر میشود



قربانیان گمنام کار

غلام اکبری

کسی خبر ندارد که آمار قربانیان عدم ایمنی محیط های کار در ایران چند نفرند. چه تعدادی از کارافتاده میشوند و یا جان خود را از دست میدهند. این هفته خبری در سایت ایلنا منتشر شد که یکی از این قربانیان گمنام را، نام و نشان داد. " به گزارش خبرنگار ایلنا، در یکی از روزهای هفته قبل (۲۲ مهر ماه)، یک کارگر ساختمانی حدود ۳۶ ساله، حین کار در یک پروژه ساختمانی در رفسنجان بر اثر نشست زمین و فرو ریختن لوله های ساختمانی روی سرش به کما رفت که در نهایت

صفحه ۶

روز جهانی ریشه کنی فقر

گفتگو با کاظم نیکخواه در برنامه خط رفاه



کردند. بعد از چند سال یعنی در سال ۱۹۹۲ سازمان ملل تصمیم گرفت همان روزی را که

صفحه ۲

حسن صالحی: روز شنبه گذشته برابر بود با ۱۷ اکتبر ۲۵ مهر که از طرف سازمان ملل بعنوان روز جهانی مبارزه با فقر اعلام شده است. سابقه این بحث به این می شود و بیشتر زیر نفوذ محصول خود یعنی سرمایه قرار می گیرد. "مارکس" گزارشی در سایت حکومتی ایلنا منتشر شده که حکایت از این دارد که آسمان برای کارگر در همه جا یک

کرامت انسانی کارگر زیر پای استثمارگر

یاشار سهندی
"کارگر هر چه بیشتر اشیاء تولید می کند، کمتر صاحب

رنگ است. این خبرگزاری در گزارشی به "فرهنگ و روابط کار" از قول نشریه "لیبر استارت" در کشورهای اتحادیه اروپا و امریکا پرداخته است. در این گزارش از قول " دانیل کرو" نامی رفتارشناس سازمانی در دانشگاه «نبراسکا در لینکلن» شهر «اوهاما»، "آمریکا" آورده شده: "متأسفانه تعریف کارفرمایان از کارگر ساده بسیار سطحی است و نگاه مغرضانه

صفحه ۵

جان و زندگی کارگران ساختمانی ملعبه دست کارگران رژیم اسلامی سرمایه (۲)



یاشار سهندی
در قانون سال ۸۶ به اصطلاح بیمه کارگران ساختمانی بند مهمی وجود دارد که عملاً به مانعی برای بیمه شدن بخش زیادی از کارگران ساختمانی تبدیل شده است. تبصره ۲ بند ۳ این قانون می گوید: " کارگران

موانع تراشی ها بر سر بیمه کارگران ساختمانی

کارگر واقعی بودن باید ثابت شود!

شاغل دارای کارت مهارت فنی معتبر از تاریخ نام نویسی در سازمان تأمین اجتماعی مبتنی بر کد ملی مشمول مقررات این قانون هستند و از تعهدات آن بهره مند خواهند شد. " طبق آمار ارائه شده از یک میلیون و

صفحه ۶

دیگر مطالب این شماره

- ✳️ حزب کمونیست کارگری ایران به کمک مالی شما نیازمند است (ص ۲۱)
- ✳️ هفت تپه: باید کارگران فصلی و غیر نیشکری به سرکار بازگردند (ص ۲۰)
- ✳️ تجمع کارگران سد سفارود، شهرداری خرمشهر و یک خبر دیگر (ص ۱۹)
- ✳️ بازداشت و انتقال عثمان اسماعیلی به زندان سنندج، تشدید دستگیریهوا احضار در آستانه سالگرد خیزش مردمی آبان (ص ۱۹)
- ✳️ اعتصاب کارگران در پتروشیمی بوشهر و اخباری دیگر از نفت (ص ۱۸)
- ✳️ ادامه تجمعات کارگران سد سفارود، شهرداری خرمشهر و یک خبر دیگر (ص ۱۷)
- ✳️ سپیده قلیان چهره شاخص جنبش علیه زندان و شکنجه و مدافع حقوق کارگران است (ص ۱۶)
- ✳️ تجمع نیروهای آموزش و پرورش، حکم زندان برای محبوبه فرحزادی و دستگیری مجدد سپیده قلیان (ص ۱۶)
- ✳️ تصمیم به برگزاری تجمع بازنشستگان فولاد فردا سوم آبانماه و چند خبر دیگر (ص ۱۵)
- ✳️ چند خبر و موضوعات اجتماعی در خوزستان (ص ۱۴)
- ✳️ هفت تپه: شماری از کارگران فصلی به کار بازگشتند، تمامی کارگران فصلی باید به کار بازگردند (ص ۱۳)
- ✳️ اعتصاب و تجمع کارگران پروژه ی معدن سونگون ورزقان (ص ۱۲)
- ✳️ تجمع بازنشستگان فولاد در تهران برگزار شد (ص ۱۱)
- ✳️ گسترش سرسام آور فقر و فلاکت و تشدید سرکوب (ص ۱۰)
- ✳️ فردین دانش هفشجانی یکی از همکاران ما درگذشت، یادش گرامی باد (ص ۱۰)
- ✳️ یک خبر ارسالی به شورای سازماندهی (ص ۱۰)

آزادی، پراپری، حکومت کارگری!

روز جهانی ریشه کنی فقر

صفحه ۱

تظاهرکنندگان آن تظاهرات عظیم را برگزار کردند بعنوان روز جهانی مبارزه با فقر اسم گذاری کند. در برنامه خط رفاه این هفته میخوایم در مورد فقر، ابعاد آن در جهان و در ایران صحبت کنیم و راههای مقابله با آن را مورد بررسی قرار دهیم. مهمان برنامه امروز کاظم نیکخواه هستند. خوش آمدید

بگذارید از ابعاد فقر شروع کنیم. آمار میگوید هم اکنون بیش از ۸۲۰ میلیون نفر در جهان گرسنه هستند. تصویر عمومی در مورد فقر در ابعاد جهانی چیست؟

کاظم نیکخواه: متأسفانه با وجود اینکه ما در قرن بیست و یکم و دوره پیشرفت های بسیار عظیم و باور نکردنی تکنولوژیک و امثال اینها روبرو هستیم، ابعاد فقر در دنیا بسیار وسیع است. همانطور که اشاره کردید گفته میشود که تعداد ۸۲۰ میلیون نفر در فقر کامل بسر میبرند. وقتی از تعداد ۸۲۰ میلیون صحبت میکنند آن بخش از مردمی را که یک سرپناه فقیرانه ای دارند ولی چهار پنج نفر در یک اتاق فقیرانه زندگی میکنند را جزو فقرا حساب نمیکنند. این ۸۲۰ میلیون نفر آنهایی هستند که از تهیه معاش کافی به مفهوم دقیق کلمه محرومند. نکته مهم دیگر اینست که این فقر در حال افزایش است. در همین سال گذشته به خاطر کرونا و مسائل دیگر آمار میگوید ۱۲۰ میلیون نفر دیگر به شمار مردم فقر زده افزوده شده است. و کلا اوضاع بسیار تکان دهنده است، ناراحت کننده است و دولتها برای مقابله با فقر کار جدی ای

انجام نمیدهند. برعکس همان سیستم و قشری را مورد دفاع قرار میدهند که عامل و بانی و مسبب فقر فزاینده است، و حتی معاش فقیرانه مردم را هم مدام دارد مورد دستبرد و دزدی قرار میدهد.

نکته دیگری که مهم است اینست که در این دنیا طبعاً فقط فقر نیست که افزایش می یابد. ثروت هم در ابعاد وسیعتری در حال افزایش است. میخوایم بگویم که یک ناعدالتی یا بی عدالتی، عدم توازن و تبعیضات اجتماعی عظیمی وجود دارد که این است که اساساً عامل فقر است و دولتها و سازمان ملل و امثال اینها کاری به این شکاف عظیمی که بین فقر و ثروت وجود دارد ندارند و برعکس برای آنها این شکاف طبیعی است، عادی است، و منطقی است و نباید به آن دست زد.

حسن صالحی: به نکته مهمی اشاره کردید. مساله فقر و ثروت، یعنی میخوایم بگویید که وجود کوهی از ثروت در واقع بطور اجتناب ناپذیری فقر را تولید میکند؟

کاظم نیکخواه: دقیقاً. یعنی مساله اساساً همین است. ببینید سازمان ملل وقتی ازش صحبت میکنیم بحث ریشه کن کردن فقر را مطرح میکند. اما آمار همین سازمان میگوید یک درصد از ثروتمندترین مردم دنیا که بالای یک میلیون دلار در سال در آمد دارند حدود ۵۰ درصد ثروتهای دنیا را تصاحب کرده اند و در جنگال خودشان دارند. و آنهایی که زیر ۱۰ هزار دلار در سال در آمد دارند که قشر فقیر محسوب میشوند و اکثراً در آمد آنها از این میزان بسیار کمتر است و زیر خط فقر محسوب میشود، این طیف

بیش از ۵۰ درصد مردم را تشکیل میدهند اما یک و دو دهم درصد ثروتها را در اختیار دارند. یعنی پنجاه درصد مردم حدود یک در صد ثروتها را در اختیار دارند و یک درصد از ثروتمندان ۵۰ درصد ثروتها را تصاحب کرده اند. این اساس مساله است. همینطور آمار را بیشتر نگاه کنیم آنهایی که مرفه هستند و بالای صد هزار دلار در سال در آمد دارند حدود ۱۲ در صد جمعیت را تشکیل میدهند اما بیش از هشتاد و سه و شش دهم در صد ثروتها را در اختیار دولتی قرار نیست از بین ببرد. و تا زمانی که این وضعیت مورد توجه جدی قرار نگرفته و تغییر نکرده و تحولی اساسی در آن ایجاد نشود کاری نمیشود کرد. فقط حرفهای توخالی ای

سازمان ملل و دولتها میزنند و کار خودشان را میکنند. "ریشه کن کردن فقر"، "رسیدگی به فقرا"، و امثال اینها را دولتها و نهادهای دولتی مطرح میکنند و یک سری نمایشات از جانب دولتها برگزار میشود اما با چنگ و دندان از این سیستم و از همان ثروتمندان بزرگ که اساساً سرمایه داران هستند دفاع میکنند. بدون اینکه قدم جدی ای برداشته شود. شخصاً بگویم من هیچ آمیدی به دولتها و به سازمان ملل برای ریشه کن کردن فقر ندارم بخاطر اینکه خودشان مدافع و ستون اصلی سیستمی هستند که مدام دارد این فقر را تولید و بازتولید میکند. موقعی که ثروت افزایش می یابد فقر بیشتری به مردم تحمیل میشود.

حسن صالحی: از قضا من میخواسم در مورد نقش سازمان ملل پرسم که الان شما در

پاسختان بود. بهرحال سازمان ملل کار زیادی نمیتواند بکند. و خودشان هم اعتراف کرده اند که برنامه هایی که برای ریشه کن کردن گرسنگی در سال ۲۰۳۰ داشته اند مسیرش منحرف شده و این هدف بر آورده نمیشود.

ولی کاظم نیکخواه! جریانات دست راستی استدلال میکنند که این وضعیت ربطی به نظم و مناسبات سرمایه داری که شما اشاره کردید ندارد و مردمی که شایستگی نداشته اند یا استحقاق نداشته اند و تلاش به اندازه کافی نکرده اند، به ورطه فقر و گرسنگی افتاده اند. آنهایی هم که بیشتر تلاش کرده اند و زرنک تر بوده اند توانسته اند کوهی از ثروت را به جیب بزنند و برای خودشان رفاه زیادی را فراهم کنند. جوابتان به چنین استدلالی چیست؟

کاظم نیکخواه: من با پوزش باید بگویم که اینها چرندیات است مزخرفات است یک ذره با واقعیتها نمیخواند و با هیچ منطق انسانی ای قابل دفاع نیست. شما نگاه کنید برای مثال در ایران کارگران نفت، کارگران هفت تپه، معلمان، پرستاران، بازنشستگان هر روز دارند اعتراض اعتصاب و مبارزه میکنند که دستمزد و حقوق زیر خط فقرشان را بگیرند. چه کسانی دستمزدشان را بلا میکنند؟ یک مشت انگل بی

خاصیت و مفتخوری که کاری در این سیستم ندارند جز دزدی. اینها همانهایی هستند که بقول اینها زرنکنند. بله در این سیستم اگر زرنک باشید پولدار میشوید. اما زرنک بودن یعنی چی؟ یعنی پا بگذار روی شانه دیگران و بالا برو. اینها با بالا کشیدن معیشت کارگر، معلم، بازنشسته و استفاده از چماق سرکوب دولتی دارند ثروتهای نجومی به جیب میزنند. چون زرنکنند و این سیستم به آنها خدمت میکند. حالا همان کسانی که این استدلال را میکنند بیاند اینجا به من بگویند که فلان آقازاده انگل و آخوند میلیاردر مفتخور بیشتر کار میکند و زحمت میکشد یا کارگر هفت تپه و کارگر نفت و بقیه کارگران و معلمان و پرستاران و غیره و غیره؟

این وضعیت را در همه جای دنیا میشود دید. همه جا این وضعیت بدرجات مختلف حاکم است. در جمهوری اسلامی بخاطر یک سیستم سرمایه داری بسیار ورشکسته و فاسد و مافیائی که حاکم است، و بی حساب و کتابی وسیعی که سلطه دارد، مساله فقر ابعاد فاجعه آمیزتری بخود گرفته است. بهرحال این منطق که اشاره کردید مطلقاً و مطلقاً قابل دفاع نیست. و کسانی که این نوع استدالات پوچ را مطرح میکنند یک صفحه ۳

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست.

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.newchannel.tv

سایت تلویزیون کانال جدید:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

کارگران جهان متحد شوید!



روز جهانی ریشه کنی

صفحه ۲ فقر

دقیقه نمیتوانند از آن دفاع کنند. فقط یک عده ای چیزهای پرچی میگویند و خودشان را سرگرم میکنند و نظرات غیر منطقی خودشان را توجیه میکنند. اما یک کودک دبستانی هم با این منطوق و استدلال قانع نمیشود. بالاخره زنگ بودن یعنی چه؟ یعنی دزدی؟ یا کارکردن و تولید کردن؟ آن کسی که دارد کار و تولید میکند مدام فقیر تر میشود. هرچه بیشتر کار میکند فقیر تر میشود. کارگر، معلم، پرستار که با احتساب بازنشستگان و خانواده هایشان اکثریت مردم را تشکیل میدهند. بنابراین جواب این مساله بسیار روشن است. مگر این که کسی نخواهد متوجه شود.

حسن صالحی: شما الان در صحنه‌هایتان به مساله جمهوری اسلامی و مساله فقر و فلاکت که گریبان اکثریت مردم را گرفته و ابعاد وسیعی دارد اشاره کردید. میخواهم در این مورد کمی مکث کنیم. چهره های مختلف فقر در ایران چیست؟ به چه شکلی خودش را نشان میدهد؟ یک مقداری در این مورد صحبت کنیم تا مدخلی باشد که بتوانیم در مورد راههای مقابله با فقر هم شاید برسیم بحث کنیم.

کاظم نیکخواه: حقیقتا در مورد اشکال بروز فقر نمیشود براحتی صحبت کرد. چون بسیار تکان دهنده و تاسف انگیز و ناراحت کننده است که بگوییم در این جامعه برای مثال

گورخوایی را شاهد هستیم که شاید اول بار در تاریخ یک کشور چنین پدیده تکان دهنده ای را می‌شنویم و می بینیم و شاهد هستیم. تن فروشی ابعاد وسیعی پیدا کرده. کار کودکان خردسال ابعاد باور نکردنی ای پیدا کرده. اعتیاد، آوارگی، کارتون خوابی، حاشیه نشینی، زافه نشینی، و بیماریهای ناشی از فقر غذایی بسیار وسیع است. میزان مرگ و میر در میان بخشهای فقیر جامعه بسیار بیشتر از دیگر بخشهاست. به دلیل عدم امکان دسترسی به دارو و درمان و غذای کافی. اینها گوشه هایی از عوارض و نشانه های فقر گسترده است. صحنه های تکان دهنده ای که از بروزات فقر وجود دارد را هر روز در خبرها می بینیم و می‌شنویم. کودکان و مردان و زنانی که در آشغالها بدنبال غذا هستند و امثال اینها که همانطور که گفتم بازگو کردنش هم ناراحت کننده است. در عین حال همانطور که گفتم دو طرف واقعیت را باید نگاه کنیم. فقر هست ثروت هم هست. مردم دیگر از میلیونر و میلیاردر بحث نمیکنند. ثروتهای سرمایه داران و آخوندها و آقا زاده ها با این عبارات و ارقام قابل بیان نیست. مردم بدرست از حقوقهای "نجومی" حرف میزنند. از ثروتهای "نجومی" آن اقلیت مفتخور بی خاصیتی که دارد حکومت میکند حرف میزنند که سر به آسمان میزند و قابل حساب و کتاب نیست. شکاف بین فقر و ثروت در ایران از اکثر کشورهای دیگر فاجعه آمیزتر و

تکان دهنده تر است. و شخصا برایم ساده نیست که به نمونه های تکان دهنده ای بپردازم که در اثر فقر در آن جامعه وجود دارد. اما واقعیت را داریم همه می بینیم که این جامعه ای است که بنا به آمارهای خود حکومتیان ۸۰ درصد مردم زیر خط فقر زندگی میکنند. و نه فقط زیر خط فقر، بلکه با فاصله زیادی زیر خط فقر زندگی میکنند. خیلیها به مرز نقطه بقاء رسیده اند. یعنی نقطه مرگ و زندگی. و این جامعه ای است که همین حقوقهای زیر خط فقر کارگران و معلمان و پرستاران را هم همین آقازاده ها و مفتخوران و یک عده کرگندهایی که بعنوان کارفرما و صاحب سرمایه و صاحب ثروت در آن جامعه وجود دارند شش ماه، یک سال، دو سال حقوق کارگر را هم به کمک دولت و مزدورانش بالا میکشند و نمیدهند. بخش مهمی از مبارزات کارگران بخش خصوصی و دولتی مبارزه برای نقد کردن حقوقهای توافق شده شان است که پرداخت نمیشود. تازه این حقوق توافق شده اگر کامل هم پرداخت شود کفاف معاش ساده شان را هم نمیدهد. این معنایش اینست که فشار فقر در آن جامعه دارد بیداد میکند و فاجعه می آفریند.

حسن صالحی: فکر میکنید به دلیل این اوضاع فلاکت بار اقتصادی و فقر و نداری، ایران در آستانه یک انفجار اجتماعی بزرگ قرار دارد؟

کاظم نیکخواه: واضح است که در این وضعیت قرار داریم. شما به اعتراضاتی که طی همین چند ساله صورت گرفته نگاه کنید. به اعتراضات هر روزه ای که صورت میگردد نگاه کنید. برای مثال بازنشسته ای هم سن و سال من یا بیشتر هر روز به خیابان می آید و فریاد میزند

منزلت معیشت حق مسلم ماست. چرا؟ کارگر شهرداری، کارگر پتروشیمی، کارگر نفت، کارگر هفت تپه. اینها و باز نشستگان و دیگر بخشها مدام دارند اعتراض میکنند به این وضعیت ناعادلانه و غیر قابل تحملی که هست. یک جاهایی هم به صورت خیزشهای عظیمی خودش را نشان داده در این چند ساله. مثل آبان ۹۸ که در بیش از ۱۰۰ شهر تظاهرات و راهپیمایی و شعار دادن علیه حکومت بالا گرفت و مدتی ادامه یافت. یا دی ماه ۹۶ که باز مردم بیرون آمدند و علیه حکومت و اختلاسگران شعار دادند. بنظر من روشن است که این جامعه به سرعت دارد به سمت یک انفجار اجتماعی و بهتر است بگوییم به سمت یک انقلاب اجتماعی دارد پیش میرود. و باید برود. راه دیگری برای مقابله با این سیستم ضد انسانی و این طیف انگل مفتخور بیرحم چپاولگری که در آن جامعه حاکم است وجود ندارد. جز اینکه مردم انقلاب کنند، حکومت مدافع این سیستم چپاول را به زیر بکشند و یک جامعه انسانی، مرفه، شاد برپا کنند. جامعه ای که پر از ثروت است و دارد هر روز ثروت تولید میکند و اگر یک حکومت انسانی سر کار بیاید میتواند بسیار بیشتر از این تولید کند. در این جامعه نباید مردم اینچنین زیر منگنه فقر و گرسنگی و فلاکت و بی مسکنی و محرومیتهای مختلف قرار داشته

باشند. **حسن صالحی:** در صحنه جهانی ابعاد فقر آتقدر گسترده شده و اعتراضات اجتماعی و شورش گرسنگان مطرح میشود که حتی پاپ هم صدایش در آمده و میگوید و اخیرا به مناسبت همین روز جهانی علیه فقر گفت که همه مردم دنیا باید از حقوق پایه برخوردار باشند. قبل از اینکه وارد راههای مقابله با فقر شویم مایلیم نظراتان را در مورد حرفهای پاپ هم بدانم.

کاظم نیکخواه: بله پاپ در این متنی که اشاره کردید یک نکته جالب دیگری را هم مطرح میکند که دلیل این موضعگیری را در واقع بر ملا میکند. او میگوید باید کاری کرد که "این لکوموتیوی که از کنترل خارج شده و بسرعت به سوی پرتگاه میروند را بشود کنترل کرد". یعنی دولتها، پاپ و مقامات کلیسا و کلا حاکمین از این وضعیتی وحشت دارند که جامعه ای را می بینند که از نظر آنها بسوی دره و پرتگاه دارد حرکت میکند. اما آن پرتگاه کجاست؟ آن چیزی که آنها میگویند از کنترل خارج شده فضای اعتراضات و خشم و نفرت از سرمایه داران است که یک گوشه ای از آنها در جنبش وال استریت دیدیم که صدها هزار نفر در کشورهای مختلفی به خیابان آمدند و علیه کل بانکداران و سرمایه داران و مفتخوران دست به تظاهرات زدند. این نوک کوه یخی بود که تمام بدنه



روز جهانی ریشه کنی فقر

صفحه ۳



میکنند و حاضر نیست کوتاه بیاید. این سیستم سرمایه داری است. اساسش روی دزدی بنا شده. شما چه بخواهید چه نخواهید اگر بخواهید فقر را ریشه کن کنید باید با این سیستم در یفتید. باید این سیستم را کنار بزنید. این سیستمی است که نتیجه اش بطور منطقی همین وضعیتی است که مدام دارد فقر را گسترش میدهد و در ابعاد غیر قابل تحملی افزایش میدهد. ببینید ما داریم در دوره ای صحبت میکنیم که قدرت تولید بشر از ده سال پیش تا کنون بدون اغراق صد برابر یا حتی چند صد برابر افزایش پیدا کرده است. بدلیل رشد تکنولوژی اتوماسیون و اینترنت و تکنیکهای بسیار بسیار پیشرفته ارتباطاتی و تولیدی و غیره که ایجاد شده است. با یک صدم ثروتهایی که در همین مقطع ده ساله افزایش پیدا کرده یا امکان تولیدش فراهم شده میشد کل مردم گرسنه و فقیر دنیا را زندگیشان را تامین کرد. اما نتیجه؟ یک عده نمیدانند با ثروتهای نجومی شان چه کنند. که اگر فرصت بود میشد به گوشه هایی اشاره کرد که چطور

پرچمش را بلند کرد؟ با فقر چه باید کرد؟ شما از انقلاب صحبت کردید. کاظم نیکخواه: این سوال مهمی است. اولین نکته من اینست که بطور کلی نمیشود با فقر مبارزه کرد. در ایران برای نمونه کارگران و مردم دارند با فقر مبارزه میکنند. اما نمیگویند فقر نمیخواهیم. بلکه خواهان درمان رایگان، تحصیل رایگان، افزایش حقوقها به بالای فقر و امثال اینها هستند. یعنی باید گامهای مشخصی را تعریف کرد، خواستههای مشخصی را طرح کرد و برایش متحد شد و متحدانه مبارزه کرد. اینها تازه قدمهای فوری است که در همین وضعیت موجود میشود با اعتراض و اعتصاب و مبارزه به درجاتی تحمیل کرد. اما بهرحال باید بدانیم که مساله فقر جدی تر از اینهاست و اساس آن به خود سیستم ناعادلانه موجود یعنی سرمایه داری مربوط است. به سیستم غیر منطقی ای که وجود دارد. یعنی همان یک در صد مفتخور بی خاصیت حریص دارد با زور سرکوب و حکومت و زندان و شکنجه بخش اعظم ثروتها را تصاحب

عظیمش دیده نمیشود. اینطور نیست که آن جنبش خوابید و در نتیجه تمام شد. فضای اعتراضی که در همه جای دنیا هست و در همه کشورها وجود دارد را اینها می بینند و وحشتشان از اینست. در بعضی کشورها مثل ایران جامعه آشکارا در آستانه یک انقلاب است که میشود جداگانه به آن پرداخت. بهرحال میخواهم بگویم که امثال پاپ صحبتهایشان در مورد حقوق پایه واقعی است. از وحشتی که از فضای انفجاری دنیا دارند، از جنبشهای اعتراضی دارند، وحشت از خشم و نفرت مردم نسبت به بی عدالتی ها و تبعیضات اجتماعی که وجود دارد، نفرت از شکاف طبقاتی که وجود دارد و مدام دارد عمیق تر میشود، اعتراض به دره عمیق فقر و ثروتی که دارد بالا میگیرد، اینست که اینها را به صرافت این می اندازد که جلو بیایند و هشدار بدهند و از حقوق مردم و حقوق پایه و امثال اینها صحبت کنند.

حسن صالحی: برگردیم به راهکارها. اوایل که خمینی در پاریس بود از جامعه ای عاری از فقر حرف میزد. که درست خلاف آن عمل کردند و محصل آن را بعد از ۴۲ سال داریم می بینیم. شما میگویید این وضع باید بنیادی تغییر کند. و نظم و مناسبات دیگری باید جانشین آن شود. اما این سوال مطرح است که همین امروز در مقابله با فقر که زندگی مردم را در منگنه خود قرار داده چه باید کرد؟ چه راههایی، چه خواستههایی، چه شعارهایی، چه مطالباتی را باید در پیش گرفت و

مثلا یک جزیره یکی به دیگری کادوی عروسی میدهد. و هرکدام یک کشور دارند و چند جزیره دارند و در همه جای دنیا ویلاها و قصرهایشان را بپا کرده اند، و میخواهند به کره ماه و مریخ سفر کنند و کلا نمیدانند با ثروتهایشان چه کار کنند. و اکثریت عظیم مردم در همین تامین معاش ساده هم مشکل دارند و دارند مدام مچاله میشوند. این قابل قبول نیست. دوام نیست. و راه مقابله با آن هم مبارزه و انقلاب است. وضعیتی که ما در ایران داریم می بینیم و شکافهای اجتماعی را پیدا کرده اند و آن مبارزه، اعتصاب و اعتراض و نهایتا انقلاب است. و شعارهای مشخص، و تاکید بر اینکه تک تک مردم حق دارند زندگی انسانی داشته باشند و منزلت، معیشت حق مسلم همه مردم است، اینها را ما داریم هر روز در خیابانهای ایران می بینیم. در نتیجه من بسیار خوش بینم که در ایران استارت تحول زده شود.



نه به سرمایه داری، آری به سوسیالیسم!

کرامت انسانی کارگر زیر پای استمارگر

صفحه ۱

علیه آن‌ها دارند. "این رفتار شناس مدعی است "بسیاری از کارگران می‌خواهند تبدیل به ستاره‌ای در کارگاه‌های محل اشتغال خود شوند." البته این رفتار شناس نمی‌گوید منظور از ستاره شدن این است که به چشم کارفرما باید کارگر، کارگری باشد خاموش؛ سرش تو کار خودش باشد و "منافع کارگاه" را در نظر داشته باشد، نه منافع خودش را. گزارش ایلنا که اصل خطابش به کارفرمایان است از قول مثلا فعالان حوزه کارگری نوشته: "هنگامی که نیروی انسانی احساس بی‌ارزشی کند، موقعیت شغلی خود را ترک می‌کند. به طور قطع، کارگران ترجیح می‌دهند در کارگاه‌هایی اشتغال داشته باشند که ارزش و کرامت انسانی آن‌ها حفظ شود." روزی که کارفرمایی این حرفها را آویزه گوشش کند، فکر کنم بی شک زمان ظهور حضرت (مهدی) رسیده است! اما اینکه کارگر بتواند به راحتی موقعیت شغلی خود را ترک کند بعید میدانم چنین چیزی ممکن باشد چون زندگی کارگر به گروگان گرفته شده تا تن به هر شرایطی بدهد. اما برعکس آن، اخراج کارگر سریعترین عمل ممکن در فرهنگ و روابط کار سرمایه داری است.

در جایی دیگر در گزارش فوق می‌خوانیم: "نقش یک کارگر ساده برای زنده نگه داشتن یک مجموعه ضروری است. ... (اما) عدم شناخت صحیح می‌تواند منجر شود تا کارگر در یک سیستم احساس بی‌ارزشی کند." گزارش ایلنا از فرهنگ و روابط کار نه بر اساس توجه به انسان بودن کارگر بلکه بر "زنده نگه داشتن یک مجموعه" تاکید

دارد، در نظام سرمایه داری این یعنی زنده نگه داشتن پروسه تولید سود و در همچین پروسه ای فرهنگ و روابط کار را تماما استمارگر می‌نویسد و بر این اساس ارزش کارگر تا وقتی است که توان کار کردن دارد و خاموش است. استمار شونده اما همیشه در حال مبارزه است تا شرایط کار را به نفع خود بهبود بخشد.

سرمایه دار به مثابه تجسم انسانی سرمایه در پروسه کسب سود به کارگر همچون مهره های ماشین کسب سود خود نگاه می‌کند. مهره ای که میتواند به راحتی تعویض شود. تحقیر و کوچک شمردن کارگر، توهین به خاطر کارگر بودن و کارگر را حتی در سطح ماهرترین آن در حد یک ابزار یک بار مصرف دیدن جزو خصایص ذاتی "فرهنگ و روابط کار" در تولید سرمایه داری است. برای نگه داری و تعمیرات ماشین ابزارها طبق کاتالوگ آن ماشین خاص سر ساعت و روز معین به آن رسیدگی می‌شود و در صورت عیب به سرعت به دنبال رفع عیب آن می‌افتند. در دهه های اخیر طبق استانداردهای ISO که در هر کارگاهی جاری شده، چنین تاکید شده که برای هر دستگاهی باید "مستندات" تهیه شود و مثلا زمان بازرسی ماشین و عیب یابی ماشین مربوطه دقیقا روشن باشد که هر کس از راه رسید بتواند اقدام کند. اما همین استانداردها در مورد کارگر ساکت است تنها به این اکتفا شده که باید "نظام انگیزشی کارکنان" جاری شود و این منوط به این است که "کارکنان" یک کار خاصی کرده باشند. اما در این مورد خاص هم، کارفرما اصلا به روی مبارک خودش نمی‌آورد که باید "انگیزه کارکنان" را افزایش دهد. بارها شاهد بودم که کارگری ابتکار

جالبی در جهت بهبود تولید به خرج میدهند و در واقع "منافع کارگاه" در نظر گرفته میشود و قطعه ای ساخته می‌شود اما این مستلزم این است که مدت زمانی برای آن وقت صرف شود و در واقع کارگر از کار روتین خود باز بماند و این از نظر کارفرما یعنی هزینه(!) و آنچه در انتها رخ می‌دهد نه تنها انگیزه ای در کارکنان ایجاد نمی‌کند بلکه برعکس به قول همکاران "انگیزه کشی است!" بسیاری مواقع یا خود کارفرما یا مدیر قسمت در کمال بی‌مروتی مدعی می‌شوند: "اگر فلان قطعه را نو می‌خریدیم کمتر هزینه داشت!" و از قول مارکس یادآور می‌شویم: "... بدیهی است که هر چه کارگر از خود بیشتر در کار مایه گذارد، جهان بیگانه‌اشیایی که می‌آفریند بر خود و ضد خودش قدرتمندتر می‌گردد، و زندگی درونیش تهی تر می‌گردد و اشیای کمتری از آن او می‌شوند."

در ایران برای کارگر هیچ "ارزش و کرامت انسانی" قایل نیستند. وقتی برای کارگری کردن به کارگاهی مراجعه می‌کنی تازه اگر بخواهند تو را به استمار بکشند اولین سوال در صورت داشتن سابقه کار این است: "از جای قبلی چرا بیرون آمدی؟" این سوال پلیسی و بر این پیش فرض استوار است که توی کارگر گناهداری مگر این که خلافش ثابت شود! و این که کارگر چطور شب را به صبح می‌رساند، اینکه کارگر بیرون از کارگاه چطور روزگار می‌گذراند هیچ سرمایه داری وجدان خود را از این جهت معذب نمی‌کند و اصولا معذب نیست چون که کارگر، کارگر است، آدم نیست! همین روزها که گرانی کارش از بیداد گذشته و هر روز نه یک قلم بلکه اقلام بیشتری از سفره و زندگی کارگر پر می

کشند، کارفرما شاید در لحظه ای کوتاه از خود پیرسد "چطور با این درآمد زندگی را می‌چرخاند!" اما این فکر را در پیش کارگر به زبان نمی‌آورد و برای اینکه وجدان خود را به زحمت نیندازد و مبادا این افکار و بیان آن موجب افزایش سهم کارگر شود، همین فکر مزاحم را از خود دور می‌کند. اما در صورتی که سود همانی که باید میبود، نباشد، فورا، بی هیچ بهانه ای کارگر اخراج میشود. دستش از لحاظ قانونی در "تعدیل نیرو" باز است و کارگر اخراج میشود. قراردادهای یک ماهه نهایتا سه ماهه یا اصلا بدون تاریخ تنظیم می‌گردند تا با صدور حکم "عدم نیاز" کارفرمای محترم یکوقت دچار افسردگی نشود! اگر کارفرمایی خیلی منصف باشد و از کارگر نیز "راضی بوده باشد" طلبکارهای کارگر را طی چند ماه میپردازد و گر نه کارگر باید "حالا حالاها دنبال طلبش بدود!"؛ کارگران در ایران کار می‌کنند ولی از سه ماه تا یکسال گاهی تا چند سال دستمزدش پرداخت نمی‌شود. این نه تنها کارفرما را معذب نمی‌کند بلکه زیر زبانش مژه داده و به پشتوانه حکومت سفاک اسلامی این شیوه روتین در فرهنگ و روابط کار در ایران تبدیل شده است.

دروغ گویی، درشت گویی، متلک اندازی و حقیر شمردن، پی نخود سیاه فرستادن، دست انداختن، بی رحمی و خشونت کلامی و عملی... این اساس فرهنگ و روابط کار در ایران است و در پی اینها چه چیزی برای کارگر باقی می‌ماند که

بخواید منافع کارگاه را در نظر بگیرد تا شاید یک روزی کارفرما نظرش جلب شود. گیرم که جلب شد بعدش چه؟ یا وعده سرخرمن داده می‌شود یا نه فرض کنیم بدون هیچ اما و آگری کارفرما پاداشی در نظر بگیرد، اما مقدار ریالی این پاداش ها چنان بی مقدار و بی ارزش است که از صدتا فحش هم بدتر است.

تا زمانی که مسئله تولید، کسب سود یک طبقه معین است، نه نیاز جامعه برای رفاه و آسایش، فرهنگ و روابط کار تماما بر ضد طبقه کارکن جامعه شکل می‌گیرد و تداوم می‌یابد. در ایران بخصوص با وجود حاکمیت سیاه مذهب خشونت ذاتی مناسبات تولید سرمایه داری صد چندان گردیده و بی جهت نیست که کارگران ایران در کف خیابان فریاد می‌کنند معیشت و منزلت حق مسلم ماست. این شعار انعکاس شرایط بی نهایت ضد انسانی است که به ضرب شلاق و شکنجه و اعدام بر کارگران تحمیل شده است. ارزش و کرامت انسانی تنها وقتی در جامعه جاری می‌گردد که شرایط سرمایه دارانه تولید (و در ایران بخصوص نوع اسلامی سرمایه) کنار زده شود. و اگر ایلنا به انتشار همچین گزارشات می‌مبادرت می‌ورزد با توجه به انبوهی مبارزات کارگران به واقع به زبان بی‌زبانی دارد هشدار می‌دهد که آن روز نزدیک است که فرهنگ و روابط کار را نه دولت و کارفرمایان، بلکه کارگران دیکته کنند.*

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

موانع تراشی ها بر سر بیمه کارگران ساختمانی

صفحه ۱



نیم کارگر بخشها اصلا بیمه نمی شوند و ساختمانی ۸۰۰ هزار نفر یعنی حدود نیمی از آنها بیمه شده اند. طبق همین آمار بین ۴۰۰ هزار تا ۶۰۰ هزار در نوبت بیمه شدن هستند. و معنای این آمار اینست که بین ۱۰۰ هزار تا ۳۰۰ هزار نفر اصلا در "سهیمه" برای بیمه شدن جایی ندارند و این تماما به نداشتن "کارت مهارت فنی" برمیگردد. این درحالیست که بسیاری از کارگران فاقد این سند هستند چرا که کارگرانی صنعتی هستند که گاهی به صورت دوره ای می شوند کار ساختمانی مشغول می شوند و بعد از پایان کار و فسخ قرارداد و اخراج دیگر ممر درآمدی ندارند. یا اینکه کارگرانی سر چهارراهی معینی به انتظار کسانی هستند که آنها را به کار گیرند و نیز کودکان کار که در این کارهای سخت مشغول به کارند. بنابر بند مربوطه همه این

موضوع می گوید: "مدارک فنی و حرفه ای باید به صورت رایگان صادر شوند اما حالا یک کارگر ساختمانی برای دریافت مدارک درجه ۱ و ۲ از آموزشگاه های آزاد ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان هزینه کند. تنها امید کارگران ساختمانی به آزمون های ادواری بود که هزینه آنهم از ۱۰ هزار تومان به ۱۴۰ هزار تومان رسیده است." (این آمار مربوط به سال ۹۹ است) و کارگر غیر واقعی به نظر میرسد کارگرانی محسوب می شوند مدرک درجه ۳ کارت مهارت را دارند و برخی از این کاسه های داغ تر از آتش پیشنهاد داده اند: "به طور قطع، بسیاری از افرادی که کارت مهارت درجه ۳ دارند، کارگر واقعی ساختمان نیستند. این موضوع نه تنها سبب تضییع حقوق کارگران شده بلکه معضلی بزرگ برای سازمان تامین اجتماعی نیز است. در این شرایط، تامین اجتماعی با کسری منابع روبرو می شود و دیگر توانایی ارائه خدمات به شکل کامل را نخواهد داشت." این را فقط مقایسه کنید با تحت پوشش قرار گرفتن آخوندها توسط بیمه تامین اجتماعی که تنها مهارتی که بلدند چگونگی طهارت بعد از قضای حاجت است! اما کارگری که کار می

کلی به کارگران گفته میشود. باز گویی استانداردها و نحوه کارکردن طبق استانداردهای جهانی یک چیز است اما این که در عمل میشود این ها را اجرا کرد چیز دیگری است. از صغیر و کبیر حکومتیان خیر دارند که چگونه کارفرما با فرامین "تند باش و زود باش، چقدر برای من خرج می تراشی، چقدر لفتش می دهی، اینجا جای قرئاس بازی نیست و..." همه استانداردها باد هوا می گردد. این همه حوادث کار چرا اتفاق می افتد؟ چون ابتدای ترین استانداردهای ایمنی و سلامتی از سوی کارفرما وتو می شود و کارگر به شدت تحت فشار است که سریعتر کار کند بعد که حادثه اتفاق می افتد کارگر زیر سوال است: "او گفت تو چرا رعایت نکردی؟" وزارت کار بابت صدور و تمدید هر باره کارت مهارت فنی پول طلب می کند و به گفته اکبر شوکت در سال ۹۹ "هزینه تمدید، تعویض و صدور کارت مهارت فنی هزار درصد و ثبت نام اولیه هم ۲۰۰ درصد افزایش یافته است." در این مورد هم مانند همه بخشهای آموزشی کشور سر و کله "آموزشگاه های آزاد" پیدا شده است. دبیر خانه کارگر قم ضمن اشاره به این

برخوردار شود. "کارت مهارت فنی در واقع کیسه ای که قانون برای وزارت کار و سازمان فنی و حرفه ای تحت نظر این وزارت خانه دوخته تا سهمی از دستمزد کارگران ساختمانی را مال خود کند. طبق آیین نامه اجرایی قانون بیمه های کارگران ساختمانی که در سال ۸۹ تصویب شده کارت مهارت فنی در بند ب ماده ۱ آن اینگونه تعریف کرده اند: "گواهینامه حاوی اطلاعات راجع به مشخصات هویتی، سطح مهارت و تاریخ صدور اعتبار و تمدید که توسط وزارت کار و امور اجتماعی (سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور) برای کارگران کارهای ساختمانی صادر می شود." و پشت این تعریف ساده دوز و کلک وسیعی برای چاپیدن کارگر خوابیده است.

ظاهرا قرار است که کارگران ساختمانی تحت آموزش در یک دوره معین قرار گیرند. اما بابت این آموزش باید پول بپردازند و همین جوری محض رضای خدا نیست. این دوره ها یا در حین کار و در محل کار است یا کلاسهای معینی در مراکز آموزشی برگزار می گردد. محتوای این آموزشها بر مبنای استانداردهای ساخت و ساز است که در این رابطه مطالب



موانع تراشی ها بر سر بیمه کارگران ساختمانی

صفحه ۶

کند باید

ابتدا ثابت کند کارگر واقعی است بعد هم مرتباً ماهانه حق بیمه پردازد و تازه اگر هم بیکار بود برای قطع نشدن بیمه اش باید پول پردازد. این مهلت نیز به عوض اینکه با وجود بیماری کرونا در طی یکسال گذشته که موجب بیکاری شدید در این بخش شده است، افزایش یابد از شش ماه به سه ماه کاهش یافته است!

و در انتهای این بخش باید به گزارشی از ایلنا پردازیم که مدعی است "در این سالها بیمه نزدیک به ۳۰۰ هزار غیرکارگر ساختمانی که طلافروش، نمایشگاه دار، وکیل دادگستری و... بودند قطع شد." فقط باید پرسید با وجود "گد ملی" که سببی فراهم کرده دولت از جیک و پوک همه اطلاع داشته باشد، چطور این امر ممکن شده است؟ جز اینکه در اینجا یا پول



بخش تلخ ماجرا اینجاست که به گفته عباس شیری، بازرس کانون انجمن های صنفی کارگران ساختمانی، تعدادی از کارگران که پشت نوبت، چشم انتظار دریافت دفترچه بیمه درمان خود بودند، پس از ابتلا به کرونا جان باختند.

نمایشگاه دار از دزدی دیگری بین کاربدستان حکومت حکایت دارد و در همین مدت به گزارش ایلنا: "تا پایان سال ۹۹، بیش از ۸۳۵ هزار کارگر بیمه شده اند اما به دلیل وجود سیستم سهمیه بندی بیش از ۳۰۰ هزار کارگر همچنان پشت نوبت برقراری بیمه خود هستند.

می آورد. باز اگر اعدا می کردند بقال سر کوچه همچین کاری کرده شاید قابل باور می بود! تنها یک چیز باقی می ماند و با توجه فساد که تا مغز استخوان در ارگانهای رژیم اسلامی نفوذ کرده در اینجا هم وجود آمار عجیب ۳۰۰ هزار نفری بیمه شده به اسم طلافروش و

زیر میزی کار خودش را کرده و یا اینکه باید در این آمار شک کرد که یک طلافروش چه احتیاجی به بیمه کارگران ساختمانی دارد که بیشتر به از کار افتادگی و مرگ کارگر تعلق می گیرد و مبلغی که در اینجا پرداخت میشود یک طلافروش در عرض چند ساعت بدست

کمیته سازمانده



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری ایران را می توانید در شبکه های اجتماعی از طریق آدرس های زیر دنبال کنید و به اشتراک بگذارید

**این حزب شماست
به حزب خود پیوندید**

@wpisazmaneh

www.sazmandeh-wpi.com

tamas.wpi@gmail.com

+447435562462

قربانیان گمنام کار

صفحه ۱

روز گذشته (۲۷ مهر ماه) دچار مرگ مغزی شد. این کارگر جوان «هادی رهبر مقدم» تقریباً ۶ روز در بیمارستان علی بن ابیطالب (ع) رفسنجان بستری بود اما متأسفانه در حال او بهبودی حاصل نشد؛ در نهایت، اعضای بدن این کارگر قربانی حادثه، به واحد فراهم‌آوری اعضای پیوندی این بیمارستان اهدا شد.

حالا علت ظاهر شدن و اضافه شدن نام "هادی رهبر مقدم" به لیست قربانیان کار بر ما هم معلوم شد. اهدا شدن اعضای بدنش به بیمارانی که در صف پیوند عضوی انتظار میکشند. ظاهراً انگیزه خیلی انسانی و خوب است اما با این حواشی در واقع اصل قضیه را به حاشیه برده اند. آنهم قربانی شدن کارگری دیگر بخاطر نا امنی محیط کار است.

از این خبر که بگذریم بخش اعظم قربانیان محیط های نا امن کار اکثراً بی نام و نشان هستند. چرا؟ چرا نام این بخش از کارگران جزو آمار رسمی قربانیان کار ثبت نمیشود؟ اینها چه کسانی هستند؟ پاسخ به روشنی اینست که اینها کارگرانی هستند که همین قانون کار نمایشی هم شامل حالشان نمیشود. به این معنا که قانون کار جمهوری اسلامی شامل کارگران کارگاههایی که ۱۰ نفر یا کمتر کارگر دارند، نمیشود. اینها کارگران زیرپله ای هستند و طبق آماری از بیمه های اجتماعی حدود ۶ میلیون نفر از کارگران شامل بیمه درمانی و بازنشستگی نمیشوند. هادی رهبر مقدم یکی از این لشگر بی نام نشانیان و بی حقوقان بود.

ماجرای خودکشی یک کارگر و توضیحات کارفرما

دوشنبه ۲۶ مهر ماه یکی از کارگران شرکت نفت و گاز با خودکشی جانش را از دست داد؛ طبق خیرها "جواد حجت‌پور" که نزدیک به بیست سال سابقه کار داشت در یادداشتی علت خودکشی اش را فشارهای اقتصادی ناشی از حقوق پایین و سیاست ها و تبعیض‌های ناروای مدیران این شرکت اعلام کرده است. شرکت نفت و گاز پارس نیز در واکنش به این خبر تکان دهنده جواب داده که: "بر اساس مستندات موجود، مجموع خالص دریافتی حقوق و مزایای شغلی مرحوم حاجت‌پور ماهانه نزدیک به ۱۰۰ میلیون ریال بوده و در آخرین پرداختی، حقوق شهریورماه خود را مطابق با ماه‌های گذشته در موعد مقرر از شرکت افق ماندگار جنوب (پیمانکار طرف قرارداد شرکت نفت و گاز پارس) دریافت کرده است، بنابراین به نظر می‌رسد علت وقوع این حادثه تلخ را نباید در حقوق پایین یا عوامل مربوط به محیط کار جست‌وجو کرد. شایان ذکر است مشارالیه زیر پوشش بیمه تأمین اجتماعی و بیمه تکمیلی بوده است."

سؤال پیش میاد که چه شده که شرکت نفت و گاز فوراً اطلاعیه و تکذیب نامه داده است؟ اینطور حق بجانب و با "دلیل و مدرک" علت خودکشی را "مالی" ندانسته است؟ مساله روشن است. از نظر اینها کارگر دستمزدش ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان باید باشد که با بقیه دریافتی هایش، حق اولاد، حق مسکن بن کارگری میتواند در بهترین حالت نزدیک به ۴ میلیون تومان بشود، تازه اگر با هزار و یک کلک و نیرنگ بخشی از آنرا ملاخور نکنند. (حداقل دستمزد مصوب شورای

عالی کار برای سال ۱۴۰۰) و حالا که کارگر جان باخته نزدیک به ۱۰ میلیون تومان دریافتی داشته، پس به زعم این جانین لابد زیادی هم میگرفته. در حالیکه خودشان بارها از خط فقر ۱۲ میلیونی سخن گفته اند و این درحالیست که در این جامعه نه خیری از درمان رایگان هست و نه تحصیل رایگان و نه تسهیلاتی برای تأمین مسکن. آنوقت کارگر نفت در گرمای وحشتناک تابستانی، در شرایط نا امن و ساعات طولانی کار سنگین و دور از خانواده و دور از هر گونه شهریاری کار میکند و فقط ده میلیون میگیرد و وقتی از شدت فقر و محرومیت جانش به لب میرسد و به اعتراض دست به خودکشی میزند. هنوز زبان این جنایتکاران دراز است. حقیقتاً شرم بر این جانین چپاولگر و مفتخور.

از نظر شرکت و کلیه کارفرمایان و پیمانکاران و رژیم دزد سالارشان، ۴ میلیون تومان حقوق ماهانه از سر کارگران هم زیاد است. از نظر اینها کسی که ۱۰ میلیون تومان دریافتی داشته اصلاً هیچ مشکل مالی نمیتواند داشته باشد. حقوقهای نجومی کاربدستان رژیم دزد اسلامی اصلاً به ذهنشان نمی‌آید. چون این درجه از تبعیض و نابرابری خصلت پایه ای نظام سرمایه داری آنهم از نوع وحشی ترینش یعنی سرمایه دار اسلامی است. این زالوهای خونخوار (کارفرمایان و پیمانکاران) به

خاطر این فربه شده اند که توانسته اند به کمک رژیم مافیاهای دزد سالار اسلامی و دم و دستگاه سرکوب و اختناقش، بیش از ۶۰ درصد مردم کشور را به زیر خط فقر پرتاب کنند. این حضرات با حقوقهای نجومیشان عامل فلاکتی هستند که امروز بر زندگی ۹۹ درصد مردم سایه انداخته است. بیکاری، گرسنگی، اعتیاد، تن فروشی، گورخوابی و کودکان کار و خیابان، نتیجه دزد سالاری حکومت سرمایه داری اسلامی حاکم است. در مقابل چنین بربریتی است که کارگران نفت هر روز گسترده تر دارند به میدان می‌آیند. کارگران پروژه ای پیمانی نفت در اعتصاب سراسری خود اعلام کردند که هیچ کارگری نباید کمتر از ۱۲ میلیون حقوقش باشد. تازه با این تورم و گرانی لحظه به لحظه مایحتاج مردم، حتی ۱۲ میلیون تومان هم کفایت یک زندگی حداقل انسانی را برای ما فراهم نمی‌آورد. چرا باید سهم ما از این دنیا با تمام امکاناتش فقط کارکردن باشد و کار؟ چرا نباید



کودکان ما از یک زندگی کودکانه و شاد و مرفه برخوردار باشند؟ چرا نباید ما با خانواده مان حداقل سالی یکبار به یک سفر دو هفته ای سیاحتی برویم؟ چرا باید همیشه دلهره این را داشته باشیم که پیمانکار قرارداد کار را تمدید میکند یا بیکار میشویم؟ تنها راه خلاص شدن از دست این همه بیحقوقی و فلاکت سرنگون کردن رژیم دزد سالار سرمایه داری اسلامی است. این مافیاهای دزد دست‌اندرکاران رژیم و تروریستهایش نمیشود. اگر میخواهیم زندگی انسانی داشته باشیم باید این جانینان را از اریکه قدرت پائین بکشیم. آنوقت انسانیت مرکز توجه سیستم جامعه میشود، ثروت های جامعه صرف رفاه و خوشبختی همه شهروندان میشود و زندگی و معیشت کسی گرو گرفته نمیشود. و کسی هم بخاطر فشارهای مالی عذاب نمیکشد، تا حدی که مثل امروز دست به خودکشی بزند.

مرگ فجیعی دیگر در شاهرود

روز سه شنبه ۲۷ مهر، عرفان علی محمدی ۲۲ ساله، در حین کار در کارگاه معدن شن و ماسه ای واقع در روستای دیزج شاهرود به دلیل نداشتن امکانات ایمنی، دستش در غلطک نوار نقاله دستگاه سنگ‌شکن گیر می‌کند که در نتیجه آن با کشیده شدن سایر بدن وی صفحه ۷

قربانیان گمنام کار

صفحه ۶

درجانش

را از دست می‌دهد. در خبرها آمده است که از قرار معلوم کارفرما و مالک این کارگاه‌شن و ماسه، پدر مقتول بوده است. این تراژدی جان باختن عرفان علی محمدی را دوچندان میکند. با شنیدن این خبر که پدر مقتول صاحب شرکت بوده فکرهای زیادی از مغز آدم عبور میکند، اینکه از خسیسی این پدر بود که امکانات ایمنی را در اختیار کارگرانش نگذاشته؟ و یا از روی نادانی و بی‌اطلاعی از خطرات کار در کارگاه بوده که شیوه‌های بالابردن ایمنی کار را بکار نبرده؟ به هر حال این وسط دولت، قانون کار و حفاظت فنی و

بهداشت محیط‌های کار چه میشوند؟! هیچ کنترل و بازرسی‌ای بر محیط‌های کار وجود ندارد که این کارگاه‌ها قتلگاه کارگراند؟ چندین هزار کارگاه دیگر مشغول کارند که بازرسان اداره کار هیچ کنترل نمیکنند؟ چندین هزار انسان دیگر باید قربانی شوند تا رعایت اصول ایمنی کار شرط لازم راه اندازی کارگاه‌ها و محیط‌های کاری باشد؟ این وظیفه ما کارگران است که همواره موارد نقض ایمنی را در محیط‌های کار در کنترل داشته باشیم و هر جا که نقضی بود فوراً جمع شویم. صورت جلسه کنیم و اعلام کنیم که تا وقتی که این مورد که خطرات جانی و جسمی در بر دارد بر طرف نشود، سر کار

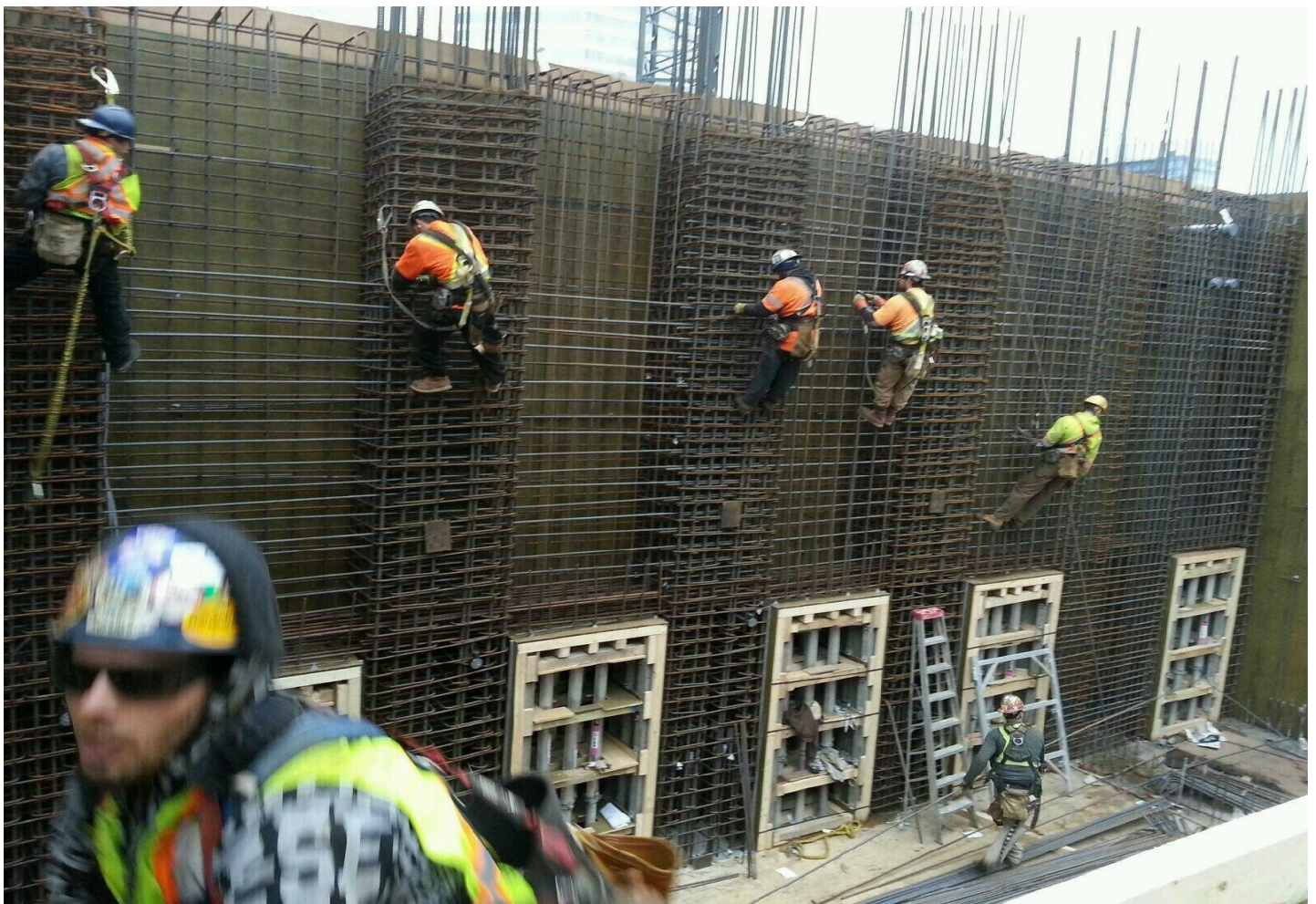
نخواهیم رفت. موضوع جدی است و نباید اجازه دهیم که محیط‌های کار و سودجویی‌های سرمایه‌داران مفتخور بیش از این قربانی بگیرد.

سقوط کارگر آرماتوربند

روز دوشنبه ۲۶ مهر یک کارگر آرماتوربند در شهر اهواز بعثت نداشتن کمربند ایمنی از ارتفاع سقوط کرد و جانش را از دست داد. در خبر آمده که این کارگر با تجربه هم بوده است. اما چرا اصول ایمنی را رعایت نکرده استوالی است؟ فوراً در پاسخ ما میگویند علت بی‌احتیاطی خود کارگر بوده است. و طبق همین خبر با تجربه بودن او را هم به رخ ما میکشند. اما نمیگویند که فشار کار آنقدر زیاد است و سرعت کارگر برای

انجام کار آنقدر بالاست که مجالی برای فکر کردن به ایمنی و حفظ جان خود ندارد. بعضاً اتفاق می‌افتد که کارگر بخاطر گرما، بخاطر سختی کار کنترل خود را از دست میدهد و از ارتفاع سقوط میکند. اما بعد همه اینها را به حساب "بی‌احتیاطی" خود کارگر میگذارند تا موضوع شرایط سخت و دشوار و برده‌وار کاری را از تیررس خشم و اعتراض کارگران دور کنند. اما جواب روشن است و بطور واقعی باید در سیستم سرمایه‌داری وحشی حاکم بدنبال پاسخش بود. در رژیم جمهوری مافیاهای دزد سالار اسلامی تنها چیزی که ارزش و اهمیت ندارد، جان انسانهاست. در دنیای حکومتیان، کارفرمایان

و پیمانکاران، کارگران تنها وظیفه‌شان کارکردن است. اگر هم در اثر سانحه، کارگری از کار افتاده بشوند یا جانش را از دست بدهند زیاد مهم نیست. هستند کارگرانی که التماس میکنند که بکار گرفته شوند. ایمنی کار هم برای کارفرمایان هزینه اضافی دارد. بنابراین کارفرمایان و پیمانکاران از وضع موجود راضی هستند. اما این کارگران و خانواده‌هایشان هستند که قربانی میشوند. باید به این بردگی کاری خاتمه داد. باید این رژیم ضد کارگر و انسانیت را از اریکه قدرت بزیر بکشیم و قوانینی در جامعه ایجاد کنیم که تضمین‌کننده یک زندگی انسانی و ایمن برای همه شهروندان باشد.*



نه به جمهوری اسلامی، آری به جمهوری سوسیالیستی!

گسترش سرسام آور فقر و فلاکت و تشدید سرکوب



جعفر
عظیم‌زاده
بر اساس
گزارشات
خبری رسمی
در هفته

گذشته، بیست و شش میلیون نفر در کشور در فقر مطلق زندگی می‌کنند. هشت استان در معرض ناامنی غذایی قرار دارند. قدرت خرید کارگران در شش ماهه اول امسال سی و دو درصد کاهش یافته است. حداقل مزد سی و هفت درصد از هزینه معیشت را تامین میکند. خط فقر به یازده میلیون تومان در ماه رسیده است. بیش از نیمی از جمعیت کشور نصف هر ماه را با جیب خالی سر میکنند. بدلیل گرانی، گوشت از سفرهای میلیونها خانواده کارگری حذف شده است. با افزایش صد و بیست درصدی قیمت برنج، ماکارونی جای آن را گرفته است. قیمت ماهی قزل در سه سال گذشته پانصد درصد افزایش داشته است. قیمت مرغ به سی و یک هزار تومان و لوبیا به هشتاد



هزار تومان رسید. دوره دیگری دستوری و معطوف به بکارگیری سیاست سرکوب برای بقای بحث حذف ارز چهار هزار و دو بیست تومانی و احتمال افزایش قیمت بنزین سر تیر خیرها در طول هفته گذشته بود.

در شرایطی جهنم فقر و فلاکت و بیکاری و ناامنی اقتصادی و اجتماعی با سرعت هر چه بیشتری در حال بلعیدن میلیونها میلیون انسان در کشور است که در حکومت نه اراده و برنامه ای برای توقف آن وجود دارد و نه اقتصاد کشور بدلیل از هم گسیختگی و از هم پاشیدگی آن، که نتیجه سیاستهای حکومتگران جمهوری اسلامی است توان گذر از جهنم موجود را دارد.

به همین دلیل، یگانه سیاست حکومت در تمامی عرصه های زندگی اقتصادی و سیاسی اجتماعی، بیش از هر زحمتکش در آن کفاف معیشت پانزده روز را نمی‌دهد و هر مطالبه ناچیزی را امنیتی و سرکوب می‌کند بدون تردید با اعتراضات میلیونی زیر و رو کننده مواجه خواهد شد.

از مدیای اجتماعی



زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند!



شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت
شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت نماد و
نماینده اتحاد و همبستگی همه بخشهای کارگران در صنعت
نفت...



فریدین دانش هفشجانی یکی از همکاران ما درگذشت یادش گرامی باد

روز ۲ آبان بنا فریدین دانش هفشجانی یکی از همکاران که سالها در پروژه ای نفتی به کار اشتغال داشته در اثر ریزش تونل جان خود را از دست داد و قربانی عدم ایمنی محیط کار شد. جانباختن فریدین دانش را به خانواده و به وابستگان و به همه همکاران گرامی تسلیت می‌گوییم. دوستان یک درد ما کارگران عدم ایمنی محیط کار است. ریزش تونل، سقوط از ارتفاع، حریق و آتش سوزی و انفجارهای مهیب نمونه هایی از سوانح مرگ آفرین در نفت هستند که تا همین امروز قربانیان بسیاری داشته است. مسبب اصلی آن نیز مشتی سرمایه دار مفتخور هستند که حاضر به صرف کمترین بودجه برای ایمنی محیط کار و

جولوگیری از مرگ و میر بیشتر در محیط های کار نیستند. عدم وجود تجهیزات ایمنی لازم و سطح پایین کیفیت آنها از جمله فقدان استانداردهای بین المللی ایمنی محیط کار در پالایشگاهها همواره خطر آفرین بوده است. درگذشت همکار عزیز فریدین دانش هشدار دیگری به همه ماست. یک خواست فوری ما رفع تمامی موارد نقض ایمنی محیط کار است و باید این مطالبه در لیست اول ما سراسری قرار گیرد.

از مدیای اجتماعی

از مدیای
اجتماعی

یک خبر ارسالی به شورای سازماندهی،

از روز اول آبانماه مینی بوس دارهای شاغل در تمامی شرکت های پارس جنوبی در اعتراض به پایین بودن دستمزد و سایر مطالبات اقدام به اعتصاب و مسدود نمودن تعدادی از مسیرهای بین پالایشگاهی کردند. افزایش دستمزدها مطالبه همه بخش های کارگری در نفت است. شورای سازماندهی اعلام کرده است که علاوه بر افزایش سطح دستمزدهای در سطوح مختلف تخصصی متناسب با درخواست خود کارگران دستمزد هیچ کارگری نباید از خط فقر ۱۲ میلیونی کمتر باشد و بیست روز کار و ده روز مرخصی خواست فوری همه ما کارگران در نفت است.



اطلاعیه خبری

تجمع**بازنشستگان فولاد****در تهران برگزار****شد**

از ساعت هشت صبح روز

سوم مهرماه بازنشستگان و مستمری بگیران صندوق بازنشستگی فولاد بنا به یک فراخوان از قبل اعلام شده مقابل دفتر مرکزی این صندوق در تهران تجمع کردند. خواستهای فوری اعلام شده این کارگران عبارتند از: "افزایش دو میلیون تومان به حقوقها، انتقال به

جدول ۷ قانون بودجه، درمان رایگان و برقراری خدمات رفاهی مطابق تعهدات آیین نامه استخدامی فولاد" بازنشستگان بخش بسیار معترض جامعه هستند که به دلیل فشارهای اقتصادی و تبعیضات مختلف مدام در حال اعتراضند. همسان سازی و

افزایش سطح حقوقها به بالای ۱۲ میلیون، درمان رایگان، و پایان دادن به اختلاسها از جمله خواستههایی است که در تجمعات سراسری بخش های مختلف بازنشستگان اعلام شده است. بازنشستگان فولاد اعلام کرده اند که تا وقتی مطالبات فوری آنها پاسخ نگیرد به

اعتراضاتشان ادامه میدهند. بازنشستگان فولاد در اصفهان و اهواز برای پیگیری خواستههایشان هر یکشنبه تجمع میکنند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳ آبان ۱۴۰۰، ۲۵ اکتبر ۲۰۲۱

**سوسیالیسم****تنها راه نجات بشریت****از سرمایه داری بیمار و نکبت زده!**

پرونده سازی علیه فعالین کارگری و جنبش های اجتماعی ممنوع!



اعتصاب و تجمع کارگران پروژه‌ی معدن سونگون ورزقان

روز یکشنبه دوم آبانماه، کارگران پروژه‌ی لجنینگ شرکت آهن آجین در معدن سونگون ورزقان در اعتراض به عدم پرداخت مزایای شغلی خود دست به اعتصاب و تجمع زدند. بنا بر خبرها مجتمع مس سونگون ورزقان به کارگران پروژه‌های در دست احداث که خارج از محدوده‌ی نگهداری اصلی مجتمع کار میکنند، پاداش پرداخت نمی‌کند و کارگران به تبعیض در پرداخت ها اعتراض دارند. از همین رو در این روز نیروهای شرکت آهن آجین شاغل در پروژه‌ی لجنینگ دست به اعتراض زدند.

گفتنی است که فضای اعتراضی در معدن سونگون بالااست. از جمله قبلا نیز در سیزدهم و چهاردهم مهرماه ۵۰۰ کارگر پیمانی از بخش های مختلف این معدن در اعتراض به سطح پایین دستمزدها، وضعیت نامناسب کاری و معیشتی و با خواست افزایش حقوقها دست به اعتصاب زده بودند که زیر فشار این حرکت اعتراضی، جلسه ای با حضور مسئولین شرکت ملی مس ایران و نمایندگان شرکتهای پیمانکاری شاغل در مجتمع مس سونگون و وکیل کارگران برگزار شد.

همسان سازی مزایای حقوقی کارگران شرکت‌های پیمانکاری با مزایای کارکنان شرکت ملی مس ایران و اجرایی شدن آن از مهر ماه به بعد، و نیز لحاظ شدن مزایایی از جمله حق جذب، حق بدی آب و هوا،

ایاب و ذهاب و دیگر آیتم‌های مزدی برای کارگران پیمانکاری و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل که هر چند ناچیز اما بهبودی به میزان دستمزدها میدهد از جمله تصمیمات اتخاذ شده در آن جلسه بود.

بدنبال این وعده ها بود که کارگران به اعتصاب خود پایان دادند و اعلام کردند که اگر به وعده ها عمل نشود دوباره دست به اعتصاب خواهند زد و اکنون اعتراضات در این معدن دارد از سرگرفته میشود.

کارگران پیمانی در این معدن اکثرا سابق ۱۵ تا ۲۰ سال کاری دارند و با قراردادهای موقت سه ماهه مشغول به کار هستند. این کارگران با وجود شرایط بسیار سخت کار در معدن از دریافتی‌هایی از ۵ میلیون تا ۷ میلیون تومان که اکثرا حتی از یک دوم خط فقر ۱۲ میلیونی اعلام شده حکومت نیز بسیار

پایین تر است برخوردارند. کوتاه شدن دست پیمانکاران و دائمی شدن قراردادهای کاری، ایمنی محیط کار و افزایش فوری سطح دستمزدها مطالبات اصلی کارگران معدن سونگون است. بخش بسیاری از مردم این منطقه از آذربایجان نان آورانشان در این معدن به کار اشتغال دارند.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری بر شرکت وسیع خانواده های کارگران در این اعتراضات و اعتراض همه بخش های معدن برای پایان دادن به بساط چپاولگری

پیمانکاران و تعرضات هر روزه آنان به زندگی و معیشت کارگران تاکید دارد.

معدن مس سونگون ورزقان در استان آذربایجان شرقی و ۱۳۰ کیلومتری تبریز و در محدوده روستای تخریب شده سونگون ورزقان بر روی کمربند مس جهانی قرار دارد و بزرگ ترین معدن مس خاورمیانه است.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست
کارگری ایران
آبان ۱۴۰۰، ۲۴ اکتبر ۲۰۲۱

حزب کمونیست کارگری ایران

تلفن: ۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

ای میل: tamas.wpi@gmail.com

تلگرام: @sazmande

اینستاگرام: wpi91

نه به حکومت مافوق مردم، آری به حکومت شورائی!



هفت تپه: شماری از کارگران فصلی به کار بازگشتند تمامی کارگران فصلی باید به کار بازگردند

جدال کارگران در نیشکر هفت تپه برای پیگیری مطالبات خود و نظارت شورایی بر امور شرکت ادامه دارد و به عقب نشینی های بیشتری توسط مقامات انجامیده است. یکی از مطالبات این کارگران تمدید قرارداد کارگران فصلی و غیر نیشکری است. در این مدت تجمعات بسیاری از سوی این بخش از کارگران هفت تپه با خواست بازگشت به کارشان برگزار شده است. بنا بر آخرین خبرها حدود نود نفر از کارگران فصلی یعنی چهل نفر از بخش تجهیزات و پنجاه نفر از کارخانه، نامه بازگشت به کار گرفته و در دو روز آتی مشغول به کار خواهند شد. بدین ترتیب کارگران نیشکر هفت تپه با قدرت مبارزاتشان قدم به قدم خواستها و مطالباتشان را به کرسی می‌نشانند. اما همچنان کارگران غیر نیشکری و دفع آفات در بلا تکلیفی بسر می‌برند و کارگران با ادامه اعتراضاتشان پیگیری وضعیت آنها و بازگشتشان به کار هستند.

بیکار کردند، قاطعانه اعلام کردند که اگر بومی بودن معیار است کسی که حتی یک ماه در این شرکت زحمت کشیده از نظر ما بومی شرکت است. کارگران اعلام کردند که برای ما محل زیست و سابقه مهم نیست و همه ۵ هزار نفری با هم برای حقم تلاش میکنیم. همه فصلی ها باید بیایند سرکار.

کارگران نیشکر هفت تپه همچنین در ادامه پیگیری مطالباتشان بر خواست اخراج مدیران فاسد و ضد کارگری تاکید دارند. در همین راستا کارگران از بخش های مختلف شرکت طی نامه ای خطاب به ناصری مدیریت طرح توسعه نیشکر و صنایع جانبی با اعلام اینکه اگر امور به همین روال باشد به زودی برای خلع مدیریت هفت طرح، تجمعات خواهند داشت، خواستار برکناری مدیران ضد کارگری و فاسد در این شرکت شدند. عبدالنبی مروانی، آصفی، حمید کرد، سید مهدی موسوی (مستول عملیات روانی اسدیگی ها که منفورترین فرد در هفت تپه است)، خالد الکثیر (اسبی) در ترابری و جاسم حاتمی (تجهیزات)، عباس حمدانی (کشاورزی)، شکیبا (الکل سازی) و مجتبی مرادی (خوراک دام) از جمله مدیرانی هستند که اسامی آنها به عنوان مدیرانی که باید برکنار

شوند قید شده است. در این نامه کارگران نیشکر هفت تپه هشدار داده و مینویسند: "تا دیر نشده اقدام کنید. اقدام بعدی ما نامه نخواهد بود بلکه تجمعات برای بیرون کردن کلیت مدیریت طرح توسعه خواهد بود".

علاوه بر کارگران شاغل کارگران بازنشسته نیشکر هفت تپه نیز مطالبه کردند. این کارگران پیرو نامه قبلی خود مبنی بر درخواست اصلاح احکام پرداخت سنوات بازنشستگی شان خاطر نشان کرده اند که آنها در زمان انتقال مدیریت به شرکت طرح و توسعه بازنشسته نشده اند و این شرکت نمیتواند درخصوص نحوه پرداخت سنوات آنان اعمال نظر و تصمیم گیری کند. و در همین راستا تاکید کرده و مینویسند: "ما بازنشستگان سال ۹۹ به عرض می‌رسانیم که عرف پرداخت سنوات شغلی پرسنل نیشکر هفت تپه ۴۵ روز بوده که با عطف به رای اخیر دیوان در ۳۱ شهریورماه سال ۹۹ میبایست مزایای مندرج در ماده ۳۵ و ۳۶ و تبصره های ۳ و آن نیز جمع و محاسبه شود."

این بازنشستگان در خاتمه

همکاران اخراجی خود را به سر کار بازگردانند و هم اکنون برای بازگشت به کار اسماعیل بخشی و بیژن سالاری دو همکار اخراجی مطالبه گر دیگر خود تلاش میکنند. این کارگران بنا بر وعده های داده شده موفق به بازگرداندن نود نفر از

همکاران فصلی خود شده اند و هم اکنون برای بازگشت به کار تمامی کارگران فصلی و غیر نیشکری، به کار هستند. پرداخت بموقع دستمزدها و تسویه حساب فوری طلبها و دیگر مطالبات عرفی کارگران، مختمومه اعلام شدن پرونده فرزانه زیلابی و آزادی سپیده قلیان از حامیان نیشکر هفت تپه از دیگر مطالبات این کارگران است که بارها بر روی آنها تاکید کرده و پیگیری آن هستند.

نیشکر هفت تپه یک الگوی موفق از اتکاء به مجمع عمومی و سازمانیابی شورایی اعتراضات است. از تجارت این کارگران باید آموخت.

حزب کمونیست کارگری ایران
آبان ۱۴۰۰، ۲۴ اکتبر ۲۰۲۱

نامه خود ضمن تاکید بر اجرای عرف کارگاه و پرداخت مزایای آنان بر مبنای ۴۵ روز کار اولتیماتوم داده و مینویسند که در صورتی که این امر اجرایی نشود به آن تمکین نکرده و اعتراض خود را ادامه خواهند داد.

این چنین است که جدالی جانانه در نیشکر هفت تپه در جریان است و این کارگران محکم و استوار ایستاده و با قدرت مبارزات متحدانه خود قدم به قدم به جلو گام برداشته و خواستها و مطالباتشان را به کرسی می‌نشانند. امروز مالکیت این شرکت در دست ایدرو و مدیریت آن در دست طرح توسعه نیشکر و صنایع جانبی است که سهامداران آن دو بانک دولتی ملی و صادرات هستند. خواست کارگران شفاف سازی قیمت واگذاری شرکت و اداره آن تحت نظارت شورایی است. این کارگران با اعلام مجمع نمایندگان منتخب مجمع عمومی ۵ هزاره خود به عنوان تشکل واقعی خود ابزار این نظارت را تعریف کرده و عملاً دست به کار آن شده اند.

کارگران نیشکر هفت تپه موفق شده اند دو نفر از

جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار اخراج و در سطح جهان بایکوت شود!

« چند خبر و موضوعات اجتماعی در خوزستان »

بحران آب همچنان ادامه دارد

موضوع آب در خوزستان دست کم در دو دهه اخیر از وضع مطلوب و شرایط پایدار برخوردار نبوده است. این وضعیت حتی در سالهایی که سدهای استان از ذخایر آبی مناسبی بهره مند بوده اند نیز به همین منوال بوده است. بحران آب در روستاها و مناطق مرزی بسیار تکان دهنده و اسفبارتر از وضعیت شهرهاست. علاوه بر این که مناطق روستایی حاشیه مرز ایران و عراق از آب سالم و بهداشتی برای آشامیدن محرومند، اکنون به جرات می توان گفت که در اثر سیاستهای مخرب جمهوری اسلامی همه اراضی کشاورزی و مراتع این مناطق به طور کامل از بین رفته و جلگه سرسبز خوزستان تبدیل به برهوتی خشک و بی آب شده است.

عدم دسترسی به آب سالم و کافی در عین حال فجایع و آسیبهای جدی ای را بدنبال داشته است. از جمله سبب بروز انواع بیماریهای انگلی مانند وبا و هپاتیت در روستاها شده است. در نتیجه نبود آب شرب، خشکسالی، قطعی برق و مشکلات اقتصادی، باعث مهاجرت روستاییان به شهرهای همجوار شده است. از جمله تعداد زیادی از اهالی روستای ابوغریب در ۴۵ کیلومتری چذابه در مرز عراق، به دلیل نبود آب آشامیدنی و آب برای مصارف کشاورزی و دام های شان مجبور به ترک روستا شده اند. این مردم با کوچ خود تبدیل به خیل آوارگان و حاشیه نشین

های شهرهای بزرگ میشوند و فقر و نا بسامانی زیادی به آنها تحمیل میشود.

مردم روستای مراغیه نیز با همین مشکل روبرو بوده و آب شرب خود را از یک کانال کوچک تامین می کنند و این دو روستا فاقد زیرساخت روستایی و بهداشتی هستند. بعلاوه روستای زهریه (با ۱۲۰ خانوار جمعیت) و دیگر روستایی که آب آشامیدنی خود را از رودخانه نیشان می گیرند، به دلیل ورود فاضلاب و زهکش ها به این رود، با بیماری های پوستی و انگلی دست و پنجه نرم می کنند.

بنا بر خبرها تاسیسات آبرسانی، ۳۸ روستای منطقه غرب کرخه نیز با ۲۰ هزار نفر جمعیت، با کاهش حجم آب این رودخانه مدت هاست که از مدار خارج و آب روستاها قطع شده است.

موارد بالا تنها نمونه های کوچکی از بحران وسیع و اسفباری است که اساسا آثرا جمهوری اسلامی به سر مردم آورده است. آخرین برآوردها نشان می دهد که قریب به هشتصد روستا در خوزستان با بحران جدی آب روبرو هستند با این همه در سال های گذشته اولویت وزارت نیرو انتقال آب برای مصارف صنعتی به مناطق کویری بوده است و هیچ گونه برنامه اساسی برای رفع بحران آب در خوزستان وجود ندارد.

رئیس سابق سازمان مدیریت و برنامه ریزی خوزستان چندی پیش گفته بود امسال ۱۲۴۷ میلیارد تومان اعتبار برای رفع مشکلات آب و راه روستایی برای مناطق محروم خوزستان در نظر گرفته و پرداخت شده است. روشن است که این پول نیز به حفره های عمیق اختلاسهای حکومتیان سرازیر شده است زیرا همچنان مشکلات قطعی

آب در بسیاری از روستاها ادامه دارد.

راه حل حکومتیها برای مشکلات کم آبی هم جالب توجه است. عبدالنبی موسوی فرد نماینده خامنه ای در خوزستان هفته گذشته در نماز جمعه اهواز گفته است از هفته جاری در تمام نمازهای جمعه باید دعای طلب باران بخوانیم و عاجزانه از خداوند طلب باران رحمت الهی کنیم چون آب پشت سدهای استان غیر قابل بهره برداری است!

اعتراضات مردم در برابر خلف وعده ها

- شماری از شهروندان سوسنگرد، ۲۲ و ۲۳ مهرماه در میدان اصلی این شهر دست به اعتراض زدند. معترضان خواستار، استعفای فرماندار و شهردار این شهر و همچنین انحلال شورای شهر به دلیل عمل نکردن به وعده های خود، عدم اهتمام به امور شهر و سرقت ثروت های مردم شدند.

- روز جمعه ۲۳ مهر، در اعتراض به خلف وعده ها فراخوانی برای تجمع اعتراضی در میدان شهر داده شده بود. در مقابل اعتراض مردم نیروی امنیتی زیادی در شهر مستقر و فضا کاملا امنیتی شد و شماری از معترضین از روز قبل ۲۲ مهر بازداشت شدند. جعفر سیاحی، عباس حیدری و توفیق سیاحی از جمله بازداشت شدگان هستند که به دلیل شرکت در این تجمع اعتراضی و شعار دادن علیه مقامات حکومتی همراه شمار دیگری از معترضان که هویت آنها هنوز اعلام نشده است، توسط نیروهای امنیتی روز جمعه ۲۳ مهرماه بازداشت شده اند.

قیمت های باورنکردنی میوه در اهواز

مسئله گرانی اقلام و کالاها در بسیاری از نقاط کشور با توجه به تورم موجود به بحرانی

جدی برای همگان تبدیل شده است، اما در خوزستان دزدی های پشت پرده وضعیت را پیچیده تر کرده و از همین رو با قیمت های بالاتری روبرویم. نهادهای دولتی و نظارتی نیروهای پشت پرده این چپاولگری ها است.

مدتی پیش رئیس اتحادیه فروشندگان میوه و تره بار اهواز گفته بود که قیمت میوه در اهواز گرانترین میوه کشور است که تنها قشر مرفه جامعه قادر به خریداری هستند. او اخیرا با تاکید دوباره بر صحبت های قبلی افزود: در تمام کشور قیمت میوه یکسان است، اما کیفیت آن در اهواز پایین تر است و بار درجه ۲ را به بهای میوه درجه یک به شهروندان اهوازی می فروشند.

به اذعان رئیس هیئت مدیره میدان میوه و تره بار اهواز، ۴ هزار تن میوه در شبانه روز وارد میدان تره بار اهواز می شود که گردش مالی بسیار عظیمی دارد و حاصل آن ایجاد فساد است. روزنامه های محلی می گویند نفوذ رانت و مافیای سبب شده که اکنون مشخص شود پای چندین مسئول از جمله تعدادی از اعضا شورای شهر و نماینده مجلس در حمایت از دلالان در میان است.

معیشت بیش از یک میلیون شهروند ساکن در کلانشهر اهواز در زمینه خرید میوه گروگان چندین شخص است که با تشکیل یک گروه توانسته اند تا حد زیادی برای منافع خود اعمال فشار کرده و سودهای هنگفتی را از قبل دزدی از مردم به جیب خود سرریز نمایند.

مشاهدات نشان میدهد میوه های درجه دو و سه در میدان به قیمت چند برابری و به نرخ میوه درجه یک فروخته می شود. این در حالی است که بعضی از کشاورزان خوزستان جهت فروش جنس خود با مشکل رو

به رو هستند و بعضی از دلالان میوه های وارداتی را اولویت فروش در میدان قرار داده اند که موجب خسارت به کشاورزان منطقه شده است.

محکومیت یک خبرنگار زن

حکم دادگاه تجدید نظر مهرنوش طافیان، خبرنگار محلی خوزستان به اتهام تبلیغ علیه نظام و نشر اکاذیب صادر شد. پیش از این شعبه ۱۳ دادسرای عمومی انقلاب اهواز، این خبرنگار محلی را در رای اولیه دادگاه به یک سال حبس به اتهام تبلیغ علیه نظام و سه ماه و یک روز حبس به اتهام نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی محکوم کرده بود.

این خبرنگار معترض پیش از این درباره مسائلی چون وضعیت روستاهای خوزستان، مشکلات حاشیه نشینان، کارگران و زنان در خوزستان اطلاع رسانی کرده بود. مهرنوش طافیان آن ۹۹ پس از حضور در بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب اهواز به دلیل عدم تامین وثیقه بازداشت و به زندان سپیدار اهواز منتقل شده بود. گفتی است که منزل طافیان حدود یک ماه پیش از بازداشت، توسط ماموران اطلاعات سپاه مورد بازرسی قرار گرفت و تلفن همراه و برخی از وسایل شخصی وی ضبط شده بود. وی مدتی بعد به سازمان اطلاعات سپاه در اهواز احضار شده و مورد بازرسی قرار گرفته بود. طافیان در صفحه تویتری خود از فرزانہ زیلابی، وکیل مستقل و متعهد خوزستانی بابت پیگیری هایش در این پرونده تشکر کرده است.

با گسترش اعتراضات، بازداشت و سرکوب روزنامه نگاران مستقلی که وابستگی به نهادهای حکومتی ندارند طی ماه های اخیر افزایش یافته و خبرنگاران به دلایلی چون اطلاع رسانی که جزو وظایف انسانی و صفحه ۱۵



مجمع مس سونگون ورزقان به کارگران پروژه‌های در دست احداث که خارج از محدوده‌ی نگهداری اصلی مجمع کار میکنند، پاداش پرداخت نمی‌کند و کارگران به تبعیض در پرداخت‌ها اعتراض دارند. در همین رابطه امروز دوم آبانماه نیروهای شرکت آهن آجین شاغل در پروژه‌ی لجنینگ دست به اعتراض زدند.

- صبح روز اول آبان جمعی از نیروهای شرکتی سازمان منطقه آزاد ارس در اعتراض به کاهش حقوق ماهیانه و عدم ساماندهی قراردادهایشان در مقابل تعاونی کارکنان منطقه آزاد تجمع کردند. یک خواست فوری این کارگران دائمی شدن قراردادهای موقت کاری است.

- روز اول آبانماه نیروهای شرکتی شهرداری اهواز با خواست دائمی شدن قراردادهایشان مقابل درب استانداری خوزستان تجمع کردند.

- روز شنبه اول آبانماه جمعی از رانندگان و کارگران اداره راهداری و حمل و نقل جاده‌ای شهرستان مریوان در اعتراض به سطح پایین حقوق و مزایا و همچنین تفاوت فاحش حق بیمه پرداختی با دریافتی‌هایشان دست به تجمع زدند. این کارگران با امضای طوماری خطاب به مدیریت اداره راهداری شهرستان مریوان خواستار رسیدگی فوری به مطالباتشان شدند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲ آبان ۱۴۰۰، ۲۴ اکتبر ۲۰۲۱

اطلاعیه خبری تصمیم به برگزاری تجمع بازنشستگان فولاد فردا سوم آبانماه و چند خبر دیگر

- بنا به یک فراخوان بازنشستگان و مستمری بگیران صندوق بازنشستگی فولاد برای پیگیری مطالبات خود ساعت هشت صبح روز سوم آبانماه مقابل دفتر مرکزی این صندوق در تهران تجمع خواهند کرد. در این فراخوان بازنشستگان فولاد بر خواسته‌های فوری ای چون افزایش دو میلیون تومان به حقوقها، انتقال به جدول ۷ قانون بودجه، درمان رایگان و برقراری خدمات رفاهی مطابق تعهدات آیین نامه استخدامی فولاد تاکید کرده اند. همسان سازی و افزایش سطح حقوقها به بالای ۱۲ میلیون، درمان رایگان، و پایان دادن به اختلاسها از جمله خواستههایی است که در تجمعات سراسری بخش های مختلف بازنشستگان اعلام شده است. بازنشستگان فولاد اعلام کرده اند که تا وقتی مطالبات فوری آنها پاسخ نگیرد به اعتراضاتشان ادامه میدهند.

- روز ۲ آبان، کارگران پروژه‌ی لجنینگ شرکت آهن آجین در معدن سونگون ورزقان در اعتراض به عدم پرداخت مزایای شغلی خود دست به اعتصاب و تجمع زدند. بنا بر خبرها

به مشکلات معیشتی بر مشکل خدمت رسانی به مردم تاکید کرده و میگویند اگر این وضعیت ادامه یابد با اولین بارندگی اهواز را فاضلاب خواهد گرفت.

- کارگران نیشکر هفت تپه در ادامه پیگیری خواسته‌هایشان بر بازگشت به کار کارگران فصلی و غیر نیشکری بر سر کار تاکید دارند. از همین رو در روز ۲۷ مهر کارگران فصلی و غیرنیشکری با بدست گرفتن بنری که در آن بر خواست تعیین تکلیف شغلی و دائمی شدن قراردادهایشان تاکید شده بود در محوطه شرکت راهپیمایی کردند و با سر دادن شعار دیگر همکاران خود را به حمایت از خواستها و مبارزاتشان فراخواندند.

روز ۲۴ مهر محمد خنیفر و ایمان اخضری به کار بازگشتند و کارگران نیشکر هفت تپه این اتفاق را نتیجه مبارزات متحدانه خود دانسته و اعلام کرده اند که با همین قدرت اسماعیل بخشی و بیژن سالاری را هم سرکار بازخواهند گرداند. کارگران نیشکر هفت تپه میگویند که برخلاف اظهارات ناصری مدیر طرح توسعه نیشکر و ادعاهای مقامات حکومتی، بخش مهمی از مشکلات کارگران هفت تپه سر جای خود باقی است و یکی از مهم ترین آنها بازگشت به کار کارگران اخراجی و نیز تبدیل وضعیت کارگران فصلی شرکت است. این کارگران همچنین سه ماه مزد طلب دارند. شفافیت یافتن وضع مالکیت شرکت در صدر مطالبات کارگران نیشکر هفت تپه قرار دارد و در عین بازگشت به کار کارگران فصلی و بازگشت به کار دو کارگر اخراجی مطالبه گر دیگر اسماعیل بخشی و سالاری از جمله مطالبات فوری آنهاست و اعلام کرده اند که تا وقتی وضعیت شغلی کارگران فصلی روشن نشود و به دیگر مطالباتشان پاسخ داده نشود به اعتراض ادامه خواهند داد.

کارگری، واحد خوزستان

۳۰ مهر ۱۴۰۰

صفحه ۱۴ حرفه‌ای آنهاست با محکومیت مواجه شده‌اند.

اخباری از اعتراضات کارگری

یک عرصه پر تلاطم مبارزه در سطح جامعه اعتراضات کارگری است و خوزستان یک کانون داغ این اعتراضات است. چند خبر از اعتراضات این هفته در شهرهای خوزستان عبارتند از:

- با گذشت یک ماه از اعتراض کارگران شهرداری خرمشهر بخاطر تعویق پرداخت ۵ ماه دستمزد خود، زیر فشار این اعتراضات فرهاد دربندی سرپرست شهرداری اطلاع داد که مقرر شده است که مدیریت تا یک هفته دیگر دو ماه از دستمزد معوقه کارگران را پرداخت کند.

- بازنشستگان صنعت فولاد و معدن در اعتراض به معضلات معیشتی و برای پیگیری مطالباتشان و از جمله اجرای همسانسازی سال ۹۹ (به میزان ۲۵ درصد نسبت به سایر صندوقهای بازنشستگی) برای ساعت هشت صبح روز سوم آذر ماه به تجمع سراسری در مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی فولاد فراخوان به تجمع اعتراضی داده اند. گفتنی است که بازنشستگان فولاد در شهرهای اهواز و اصفهان تحت عنوان یکشنبه های اعتراضی هر هفته تجمع برگزار میکنند. افزایش حقوقها به بالای خط فقر ۱۲ میلیون، درمان و تحصیل رایگان و حق مسکن و پایان دادن به اختلاس ها و دزدی ها و بازگشت پولهای به سرقت رفته به صندوق فولاد، از جمله مطالباتی است که این کارگران بارها در تجمعاتشان بر روی آنها تاکید کرده اند و به همراه دیگر بخشهای بازنشستگان برای آنها مبارزه و اعتراض کرده اند.

- روز ۲۵ مهر کارکنان شرکت آب و فاضلاب اهواز با تجمع مقابل شرکت آب و فاضلاب استان اعتراض خود را نسبت به عدم دریافت ۴ ماه دستمزد خود اعلام کرده و خواستار لغو ادغام شرکت آبفا اهواز با خوزستان شدند. این کارگران در اعتراضاتشان علاوه بر اشاره

مرگ بر طالبان، چه در کابل چه تهران!



سپیده قلیان چهره شاخص جنبش علیه زندندان و شکنجه و مدافع حقوق کارگران است

سپیده قلیان باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود

سپیده قلیان فعال دفاع از حقوق کارگران و زندانیان سیاسی است. او در ۲۷ آبان ۱۳۹۷ در جریان اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه به جرم انعکاس اخبار اعتراض این کارگران به همراه اسماعیل بخشی فعال شناخته شده کارگری و شماری از کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه دستگیر و به زندان اهواز منتقل گردید. او بعد از یکماه بازداشت با وثیقه ۵۰۰ میلیون تومانی موقتاً آزاد گردید.

بعد از اعلام کیفرخواست اسماعیل بخشی در چهاردهم دی ماه ۹۷ علیه شکنجه و زندان و به مناظره طلبیدن علوی وزیر اطلاعات ایران، سپیده قلیان نیز در نوزدهم دی ماه به این اعتراض پیوست و ضمن تأیید شکنجه شدن بخشی، شرحی از شکنجه‌های صورت گرفته توسط مأموران امنیتی حکومت در زندان ارائه داد. او گفت که حاضر است در دادگاه درباره شکنجه خودش و اسماعیل بخشی شهادت بدهد. سپیده قلیان نوشت که مأموران برای اخذ اعتراف از او از کابل و اتهام جنسی علیه او استفاده کردند.

جمهوری اسلامی با پخش برنامه "طراحی سوخته" در روز شنبه ۲۹ دی از صدا و سیما با حرکت اعتراضی ای که بعد از اعتصاب هفت تپه و افشاکاری اسماعیل بخشی و ایستادن سپیده قلیان در کنار او از شکنجه در زندان براه افتاده بود، به مقابله پرداخت. در این برنامه با پخش

شد و زیر فشار او و خانواده اش دو هفته بعد از تأیید خبر ابتلای وی به کرونا در ۲۸ مرداد ۱۴۰۰ به او مرخصی داده شد. سپیده که هیچگاه از اعتراض به زندان و شکنجه دست برنداشته و یک فعال شجاع این عرصه از مبارزه است در نوزدهم مهرماه ۱۴۰۰ در حالی که دوران مرخصی خود را می‌گذراند، در خانه‌اش با هجوم ۳۰ مأمور امنیتی دستگیر و در ۲۲ مهر به زندان اوین بند ۲۰۹ منتقل شد. اکنون خانواده سپیده قلیان نگران حال او هستند.

سپیده قلیان یک سمبل مهم جنبش علیه زندان و شکنجه و مدافع حقوق انسانهاست. او محبوب مردم است و در قلب جامعه جا دارد. یکی از مطالبات کارگران نیشکر هفت تپه در طول مبارزاتشان آزادی بدون قید و شرط سپیده از زندان بوده است. سپیده قلیان باید فوراً و بدون قید و شرط از زندان آزاد شود.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
Shahla.daneshfar2@gmail.com

۲۹ مهر ۱۴۰۰

حالا که اعترافاتم پخش شد خواهان علنی برگزار شدن دادگام هستم." سپیده قلیان روز ۳۰ دی ۹۷ یک روز پس از پخش فیلم "طراحی سوخته" از صدا و سیما، به همراه برادرش «مهدی قلیان» بازداشت شد. روز بعدش نیز اسماعیل بخشی بازداشت شد. اعتراضات بسیاری به این دستگیری انجام گرفت.

سپیده قلیان بعد از محاکمات با اتهاماتی امنیتی مجموعاً به ۱۹ سال و شش ماه زندان محکوم شد. او سپس در چهارم آبانماه ۹۸ با قرار وثیقه یک و نیم میلیارد تومانی آزاد شد. بعد از آن در دادگاه تجدید نظر حکم سپیده قلیان به ۵ سال کاهش پیدا کرد و در یکم تیرماه ۹۹ جهت اجرای حکم بازداشت و به زندان اوین منتقل شد. سپیده در تمام مدت بازداشتش صدای زندانیان در بند و صدای آزادیخواهی و انسانیت بوده است. بخاطر این اعتراضات او بصورت تنبیهی شب ۲۱ اسفند ۹۹ با دستبند و پابند از زندان اوین به زندان بوشهر تبعید شد. سپیده فیلم آنرا به عنوان مثالی دیگر از ابعاد آزار و شکنجه زندانی رسانه ای کرد. در شرایط نا امن زندان سپیده به بیماری مهلک کرونا مبتلا

قسمتهایی از "اعترافات" اجباری که در زیر شکنجه و آزار از بخشی و قلیان و دیگر دستگیرشدگان پرونده نیشکر هفت تپه گرفته شده بود حکومت مذبحخانه تلاش کرد جنبش عظیمی که با اعتراضات هفت تپه علیه حکومت و نظام سراپا فاسد حاکم پا گرفته بود را تخطئه کند و آنرا بحساب توطئه های آمریکا و تحریم اقتصادی بگذارد. اما پخش گزارش تلویزیونی «طراحی سوخته» با واکنش و اعتراض گسترده ای در کشور روبرو شد و شعار مستند، شکنجه دیگر اثر ندارد به شعار کف خیابان در اعتراضات معلمان و بازنشستگان تبدیل شد.

سپیده قلیان در مورد برنامه "طراحی سوخته" نوشت "من و اسماعیل بخشی که سهل است، پنج هزار کارگر هفت تپه را هم جلوی دوربین بنشانید و از آنها به زور کابل و باتوم اعتراف اجباری بگیرید باز هم از اصل داستان این که شما ستمگر و فاسدهستید کم نخواهد کرد." سپیده قلیان همچنین اعلام کرد: "این تصاویری که از من پخش شد گواه دیگری در اثبات حرفهایم مبنی بر شکنجه شدن در طول مدت بازداشت بود. جدیتر از قبل به پیگیری شکنجه شدنم خواهم پرداخت و

سرتگون باد رژیم دزدسالار اسلامی!

کرده‌اند. بنا بر خبرها در روزهای اخیر تعداد دیگری از فعالین اجتماعی نیز احضار و تهدید شده‌اند. این احضارها و بازداشت‌ها در شرایطی صورت می‌گیرد که اعتراضات در سطح جامعه گسترده است. حزب کمونیست کارگری ایران این احضارها و تهدیدات امنیتی را شدیداً محکوم میکند و بر متوقف شدن فوری آنها و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات تاکید دارد. حزب بر اعتراضی سراسری در مقابل این احضارها و تهدیدات و سرکوبگری های حکومت تاکید میکند. احضارها باید فوراً متوقف و تمامی زندانیان سیاسی بدون قید و شرط آزاد شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۹ مهر ۱۴۰۰، ۲۱ اکتبر ۲۰۲۱

پارچه خواهان ۴۰۰ میلیارد تومان تسهیلات است.

- عصر روز چهارشنبه ۲۸ مهرماه عثمان اسماعیلی از فعالین کارگری شهر سقز توسط ده نفر از مأموران امنیتی مقابل منزل خود بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل گردیده است. بنابر اخبار منتشر شده از صبح روز گذشته تا زمان بازداشت محل کار و زندگی عثمان اسماعیلی تحت نظر مأموران امنیتی بوده است. عثمان اسماعیلی یکی از چهره های شناخته شده و محبوب کارگری در شهر سقز است. عثمان اسماعیل به عنوان یک فعال ثابت قدم برگزاری اول ماه مه ها شناخته میشود. عثمان اسماعیل باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود.



- روز ۲۷ مهرماه مأموران وزارت اطلاعات در فواصل کوتاهی با تعدادی از فعالین کارگری از جمله عسل محمدی، هیراد پیربدایی، عاطفه رنگریز، کامیار فکور، امیرعباس آرموند، رهام یگانه و سروناز احمدی تماس گرفتند و آنها را برای بازجویی احضار

به تعدادی از مقامات دست اندر کار حکومتی سابق تحت عنوان مشاورین هیأت مدیره و... پرداخت های کلانی انجام داده است. کارگران به این بساط چپاول و دزدی آشکار اعتراض دارند. گفتنی است که بنا بر خبرهای منتشر شده در شبکه‌های مجازی مدیر سیلان

و چپاولگریها در مقابل ساختمان استانداری اردبیل دست به تجمع زدند.

به گفته کارگران مدیریت شرکت در محوطه کارخانه با صرف مبالغی آلاچیق‌هایی جهت جذب گردشگری رستوران و... احداث کرده و نیز

اطلاعیه خبری ادامه تجمعات کارگران سد شفا رود، شهرداری خرمشهر و یک خبر دیگر

- با گذشت یک ماه از اعتراض کارگران شهرداری خرمشهر بخاطر تعویق پرداخت ۵ ماه دستمزد خود، زیر فشار این اعتراضات فرهاد دربندی سرپرست شهرداری اطلاع داد که مقرر شده است که مدیریت تا یک هفته دیگر دو ماه از دستمزد معوقه کارگران را پرداخت کند

- روز پنجشنبه ۲۹ مهرماه جمعی از کارگران کارخانه سیلان در اعتراض به تعویق پرداخت ۳ ماهه مزد و حق بیمه خود و نیز اعتراض به دزدی‌ها





اخبار نفت

اعتصاب کارگران در پتروشیمی بوشهر و اخباری دیگر از نفت

بنا بر خبرهای منتشر شده روز سه‌شنبه ۲۷ مهر بنا بر فراخوانی از قبل اعلام شده جمع بزرگی از کارگران پروژه‌ای شاغل در شرکت‌های مختلفی چون سازه پاد، پارس قدرت، کیان نصب مستقر در سایت ۱ پتروشیمی بوشهر در اعتراض به خلف وعده های پیمانکاران دوباره دست به اعتصاب زدند. افزایش دستمزد مطابق لیست های پیشنهادی درخواستی کارگران، ۲۰ روز کار و ۱۰ روز مرخصی، بهبود قابل قبول وضعیت خوابگاهها و غذا از جمله خواستههای فوری این کارگران است.

این کارگران در اواخر خرداد ماه به‌همراه دیگر کارگران پیمانی نفت وارد اعتصاب سراسری شدند و زیر فشار اعتراضات آنها پیمانکاران مختلف با دادن وعده و وعید تلاش کردند

کارگران را سر کار بازگردانند. اکنون در مراکزی که این وعده ها عملی نشده از جمله در عسلویه، بوشهر و کنگان ما شاهد سر بلند کردن دوباره اعتصابات کارگران هستیم. روز شنبه ۲۴ مهرماه نیز جمعی از کارگران پروژه ای در بخش تعمیرات پتروشیمی فن آوران در اعتراض به عدم تحقق وعده‌های مسئولین شرکت و مشکلات معیشتی دست به تجمع و اعتراض زدند. در همانروز حدود ۴۰ نفر از کارگران شرکت تانیر در جلوی فرمانداری عسلویه به خاطر نداشتن قرارداد، عدم افزایش حقوق و پیگیری دیگر مطالباتشان دست به تجمع زدند و زیر فشار این حرکت اعتراضی مسئولین فرمانداری از ترس گسترش اعتراض با تعدادی از کارگران جلسه گرفتند و وعده پیگیری مطالباتشان را دادند. همچنین در نوزدهم مهرماه کارگران پروژه پیمانی در شرکت سایک در عسلویه در اعتراض به عدم پرداخت حقوق ماههای مرداد و شهریور خود دست از کار کشیده و تجمع برپا کردند. بعلاوه اعتصاب در بخش های

مختلف نفت در جریان است. بطور مثال در هفته گذشته حدود ۶۰ نفر از رانندگان خودروهای شاغل در پارس ۲ کنگان با تجمع در میدان نخل خواستار افزایش حقوق خود شدند. بدنبال اعتصاب سراسری و گسترده در نفت کارگران هر جا که خلف وعده ای میشود و یا با تعرضی به حقوق خود روبرو میشوند فوراً به تجمع و اعتراض میدانی دست میزنند و پیگیر مطالباتشان هستند. مطالبه اصلی کارگران پروژه ای کوتاه شدن دست پیمانکاران

و لغو قوانین برده وار مناطق ویژه اقتصادی است. خبرها حاکیست که در عسلویه و کنگان نیز بخاطر زیر پا گذاشته شدن وعده های داده شده از سوی پیمانکاران فضا اعتراضی است و کارگران اعلام کرده اند که اگر خواستههایشان جواب نگیرد دوباره وارد اعتصاب خواهند شد. بعلاوه در مراکز مختلف نفتی اعتراض علیه تعرضات کارفرمایان و برای کوتاه شدن دست پیمانکاران وسعت گرفته است. یک نمونه آن اعتراضات کارگران ارکان ثالث پتروشیمی ماهشهر با خواست کوتاه شدن دست

پیمانکاران بود و در همین راستا کارگران ارکان ثالث در تدارک تجمعی سراسری در تهران هستند. متحد شدن حول خواستههای سراسری، برپایی تجمعات اعتراضی و تصمیم گیری جمعی و انتخاب هیات های نمایندگی مورد قبول خود کارگران گام های مهمی در تقویت این مبارزات است. از خواستها و مطالبات کارگران نفت باید وسیعاً حمایت و پشتیبانی کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۷ مهر ۱۴۰۰، ۱۹ اکتبر ۲۰۲۱





بازداشت و انتقال عثمان اسماعیلی به زندان سنندج تشدید دستگیریه‌ها و احضارها در آستانه سالگرد خیزش مردمی آبانماه

احضار کردند. این درحالیست که در روزهای اخیر تعداد دیگری از فعالین اجتماعی از جمله محبوبه فرحزادی از معلمان بازنشسته احضار و بعد از محاکمه با اتهامات امنیتی چون "تبلیغ علیه نظام" قرار است به او حکم داده شود. محبوبه فرحزادی از همیاران کمک به سیل زدگان بود. محبوبه فرحزادی یار کودکان کار و خیابان است.

با نزدیک شدن به سالروز خیزش مردمی در آبان ۹۸ و با گسترش فضای اعتراضی در سطح جامعه خصوصا در جنبش کارگری جمهوری اسلامی به دستگیری‌ها، احضارها و تهدیدات امنیتی در سطح جامعه شدت داده است.

عثمان اسماعیلی، سپیده قلیان و سعید و احسان رضایی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند. احضارها باید فوراً متوقف شود و به امنیتی کردن مبارزات و پرونده سازی علیه فعالین اجتماعی باید فوراً خاتمه داده شود. با اعتراضی گسترده و سراسری در زندانها را می‌گشاییم. کمپین برای آزادی زندانیان سیاسی از همه اتحادیه‌های کارگری و نهادهای انساندوست می‌خواهد که به هر شکل که می‌توانند بازداشت‌ها و تشدید تهدیدات امنیتی علیه کارگران و تمامی فعالین اجتماعی را محکوم کنند و خواستار آزادی فوری و بدون قید و سیاسی شوند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

Shahla.daneshfar2@gmail.com

۲۹ مهر ۱۴۰۰

عصر روز چهارشنبه ۲۸ مهرماه عثمان اسماعیلی از فعالین کارگری شهر سقز توسط ده نفر از مأموران امنیتی مقابل منزل خود بازداشت و بعد از تفهیم اتهام در شعبه دوم بازپرسی دادسرای سقز به بازداشتگاه سنندج منتقل شد.

عثمان اسماعیلی یکی از چهره‌های شناخته شده و محبوب کارگری در شهر سقز است. او به عنوان یک فعال ثابت قدم برگزاری اول ماه مه‌ها شناخته می‌شود. عثمان اسماعیلی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود.

در همان روز مأمورین امنیتی به منزل سعید و احسان رضایی در شهرستان رشت هجوم بردند و آنها را بازداشت و به مکان نامعلومی انتقال دادند. سعید رضایی از فعالین کارگری است که قبلاً در تجمع روز جهانی کارگر سال ۹۸ مقابل مجلس دستگیر شده بود.

قبلاً از آن نیز در نوزدهم مهرماه ۱۴۰۰ سپیده قلیان که به جرم دفاع از کارگران نیشکر هفت تپه قبلاً دستگیر شده بود و در دوران مرخصی بسر میبرد، در خانه‌اش با هجوم ۳۰ مأمور امنیتی دستگیر و در ۲۲ مهر به زندان اوین بند ۲۰۹ منتقل گردید و از سرنوشت او خبری در دست نیست.

علاوه بر این دستگیری‌ها در روز ۲۷ مهر مأموران وزارت اطلاعات در فواصل کوتاهی تعدادی از فعالین کارگری و اجتماعی از جمله عسل محمدی، هیراد پیربدقی، عاطفه رنگریز، کامیار فکور، امیرعباس آزرمنوند، رهام یگانه و سروناز احمدی را



وقتی با مقاومت آنان روبرو شدند محل را ترک کرده و اعلام کردند که در ساعات آینده با حکم قضایی مجدداً برای دستگیری خانم مرضیه دورود مراجعه خواهند کرد. سعید رضایی از فعالین کارگری است که قبلاً در تجمع روز جهانی کارگر سال ۹۸ مقابل مجلس دستگیر شده بود. حزب کمونیست کارگری دستگیری سعید و احسان و تهدید و فشار بر روی این خانواده را بشدت محکوم می‌کند. سعید و احسان رضایی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند و پرونده‌های امنیتی تشکیل شده برای آنها و برای مرضیه دورود مادر آنان بسته شود. باید وسیعاً به کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات پیوست و خواستار مختومه اعلام شدن تمامی پرونده‌های امنیتی تشکیل شده برای کارگران، معلمان و تمامی زندانیان سیاسی شد. با قدرت اعتراضات سراسری باید در زندانها را گشود.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۷ مهر ۱۴۰۰، ۱۹ اکتبر ۲۰۲۱



اطلاعیه خبری

تجمع کارگران سد شفا رود، شهرداری خرمشهر و یک خبر دیگر

- روز سه‌شنبه ۲۷ مهرماه کارگران سد شفا رود در رضوانشهر در اعتراض به ۳ ماه حقوق معوقه خود، در محوطه این کارگاه تجمع کردند.

- روز دوشنبه ۲۶ مهرماه کارگران شهرداری خرمشهر برای چندمین بار در اعتراض به تعویق پراخت ۵ ماه حقوق و دیگر مطالباتشان مقابل درب فرمانداری این شهر تجمع کردند.

صبح روز سه‌شنبه ۲۷ مهرماه مأمورین امنیتی به منزل سعید و احسان رضایی در شهرستان رشت هجوم برده و آنها را بازداشت و با خود به مکان نامعلومی انتقال دادند. همزمان مأمورین به منزل پدری سعید و احسان در شهرستان رودسر رفته و قصد بازداشت خانم مرضیه دورود مادر آنها را داشتند که

هیچ دستمزدی نباید کمتر از ۱۲ میلیون باشد!



هفت تپه: باید کارگران فصلی و غیر نیشکری به سر کار بازگردند

روز ۲۷ مهر بیست و سومین روز اعتراضات کارگران هفت تپه با حضور کارگران فصلی و غیرنیشکری برگزار شد و کارگران فصلی با بدست گرفتن بنری که در آن بر خواست تعیین تکلیف شغلی و دائمی شدن قراردادهایشان تاکید شده بود در محوطه شرکت راهپیمایی کردند و با سر دادن شعار دیگر همکاران خود را به حمایت از خواستها و مبارزاتشان فراخواندند.

روز گذشته نیز نظیر همین تجمع از سوی این کارگران برگزار شد و آنها بعد از جمع شدن و راهپیمایی در محوطه شرکت مقابل دفتر مدیریت تجمع کردند. در این تجمع نفراتی از کارگران فصلی و فصلی های غیر نیشکری و تعدادی زیادی از کارگران دفع آفات شرکت داشتند و کارگران به روی سنگر رفته و از خواستها و مطالباتشان سخن گفتند.

بنا بر خبرها در تجمع روز گذشته ۴ نفر از کارگران به نمایندگی از فصلی ها

و ده ساکت کند تا تجمعات تمام شود و بعد هم بگوید اضافه نیرو دارند و توان تمديد قرارداد ندارند، موضوع را پایان دهد، تاکید کردند که باید خودشان وارد عمل شوند. به این ترتیب قرار تجمع برای روز بعد را گذاشتند.

کارگران نیشکر هفت تپه میگویند که برخلاف اظهارات ناصری مدیر طرح توسعه نیشکر و ادعاهای مقامات حکومتی، بخش مهمی از مشکلات کارگران هفت تپه سر جای خود باقی است و یکی از مهم ترین آنها بازگشت به کار کارگران اخراجی و نیز تبدیل

(دو همکار فصلی و دو نفر نماینده کل کارگران هفت تپه یعنی آقایان مسلم چشمه خاور و یوسف بهمنی) به جلسه با مدیریت جدید یعنی فتحی مکوندی رفتند و در این جلسه معلوم شد که مدیریت هیچ برنامه ای برای روشن شدن وضعیت استخدامی کارگران فصلی ندارد و تنها سخن مکوندی دادن سهمیه شکر به کارگران به مناسبت "میلاد پیامبر" بوده است. کارگران نیز اعلام کردند که اینجا هفت تپه است و با سهمیه شکر نمیشود کارگر را خرید. کارگران با ذکر اینکه "هفت طرح" میخواهد آنها را با

وضعیت کارگران فصلی شرکت است. این کارگران همچنین سه ماه مزد طلب دارند. شفافیت یافتن وضع مالکیت شرکت در صدر مطالبات کارگران نیشکر هفت تپه قرار دارد و در عین بازگشت به کار کارگران فصلی و دیگر کارگران اخراجی مطالبه گر از جمله مطالبات فوری آنهاست و اعلام کرده اند که تا وقتی وضعیت شغلی کارگران فصلی روشن نشود و به دیگر مطالباتشان پاسخ داده نشود به اعتراض ادامه خواهند داد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۷ مهر ۱۴۰۰، ۱۹ اکتبر ۲۰۲۱

ماهواره یاه ست

فرکانس: ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۷/۸

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com

ماهواره یوتلست

فرکانس: ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۵/۶

KANAL JADID
کانال جدید

پخش زنده آنلاین:



newchannel.tv/live/tv

حزب کمونیست کارگری ایران به کمک مالی شما نیازمند است

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

سوئد:

Kontonr: 412 23 79-3 SEK

Bankkontonr: 9960 2641 223 793

Kontoslag: PLUSGIROKONTO

F RETAG

IBAN: SE10 9500 0099 6026 4122 3793

آلمان:

Germany

M. Eli

Commerzbank

Kontonr: 727634800

BLZ: 60040071

IBAN: DE84600400710727634800

BIC/SWIFT: COBADEFFXXX

هلند:

Bank: RABOBANK

Darande hesab: FVIVN

Shomare hesab: 15 13 50 248

Adres: EINDHOVEN

IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از

هر کشور دیگر:

England

Account nr. 45477981

sort code: 60-24-23

account holder: WPI

branch: Wood Green

Bank: NatWest

IBAN: GB77 NWBK 6024 2345477981

BIC: NWBK GB 2L

تک شما که حزب را میشناسید و خود را در اهداف انسانی و آزادیخواهانه آن شریک میدانید، انتظار کمک داریم. کمک کنید و دوستانتان را تشویق به کمک کنید. امیدواریم مبلغی بسیار بیشتر از آنچه در فراخوان حزب آمده است به صندوق حزب سرازیر شود تا حزب بتواند به تعهدات سیاسی خود و تعهدات تازه ای که در مقابل جامعه و فعالین کارگری دارد و همینطور تعهداتی در مقابل دوستانی که بدلیل شرکت در مبارزه و یا برای تداوم فعالیت خود با مشکل مالی و تامین زندگی خود مواجه شده اند، جوابگو باشد.

سوالاتی دارید میتوانید با آدرس های زیر تماس بگیرید:

از اروپا:

آذر پویا: ۰۰۴۶۷۳۰۵۶۶۶۱۴

azar_poya@hotmail.com

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

siabahari@gmail.com

از آمریکای شمالی:

ستار نوریزاد ۰۰۱۲۱۴۵۴۹۶۲۷۱

sattarnorizad@yahoo.com

از کانادا:

بابک یزدی ۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

babakyazdi2@gmail.com

از ایران:

شهلا دانشفر ۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

shahla.daneshfar2@gmail.com

حزب کمونیست کارگری را باید در همه زمینه ها تقویت کرد. این حزب نیاز مبرم جامعه برای تحکیم و تقویت مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و تضمین آینده ای روشن است. جامعه در آستانه تحولاتی مهم و تاریخی قرار دارد. فعالین کارگری، معلمان و بازنشستگان، زنان و دانشجویان مشغول تلاش هرروزه برای سازمانیابی و سازماندهی توده ای بخش های مختلف جامعه هستند. این تلاش ها، این جمعاعات اعتراضی وسیع و امیدبخشی که در مراکز کارگری و در خیابان ها جریان دارد، برای تبدیل شدن به یک آلترناتیو سیاسی موثر نیاز مبرم به حزب دارند. حزب کمونیست کارگری حزب این دوره است. امید بسیاری از مردم است. باید بدور سیاست های آن گرد آمد، همه جا واحدهایش را ایجاد کرد، برنامه و ادبیات و سیاست هایش را همه جا مورد بحث قرار داد، فراخوان هایش را هرچه بیشتر عملی کرد و از جمله حزب را باید تقویت مالی کرد.

بسیاری از پروژه های حزب نیاز و گسترش فعالیت های متنوع حزب در گرو تقویت بنیه مالی حزب است. تقویت این حزب بخشی از مبارزه شما برای سرنگونی حکومت گنبدیده و پلید اسلامی و شکل دادن به جامعه ای شاد و آزاد و برابر و انسانی است. حکومت اسلامی را باید تضعیف و سرنگون کرد و حزب را باید هرچه بیشتر تقویت کرد. به این معنی فراخوان حزب برای تامین مالی حزب یک فراخوان سیاسی نیز هست. از تک

فقط کف خیابون بدست میاد حقمون!